اداره کل هنرهای نمایشی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ • ۱۴۴۳ جمادی الثانی ۱ • 5 Jan 2022

نگاهی به رسانه ها

بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه ها

تهیه و تنظیم : روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی
با همکاری تاش رسانه (e-payeshgari.com)

تعداد کل محتوا : ۲۱

روزنامه

۲۱

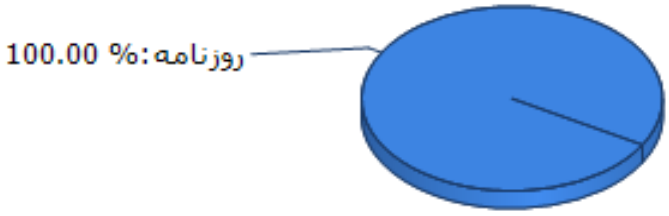

گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

ردیف	نام منبع	فراوانی	درصد فراوانی
۱	اعتماد	۲	۹/۵
۲	صبح نو	۲	۹/۵
۳	همدلی	۲	۹/۵
۴	همشهری	۲	۹/۵
۵	هنرمند	۲	۹/۵
۶	آرمان ملی	۱	۴/۸
۷	آفتاب یزد	۱	۴/۸
۸	ایران	۱	۴/۸
۹	پیام زمان	۱	۴/۸
۱۰	ثروت	۱	۴/۸
۱۱	جمهور	۱	۴/۸
۱۲	روزان	۱	۴/۸
۱۳	رویداد امروز	۱	۴/۸
۱۴	عصر آزادی	۱	۴/۸
۱۵	مردم سالاری	۱	۴/۸
۱۶	نسل فردا	۱	۴/۸
	جمع کل	۲۱	۱۰۰

نمودار فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

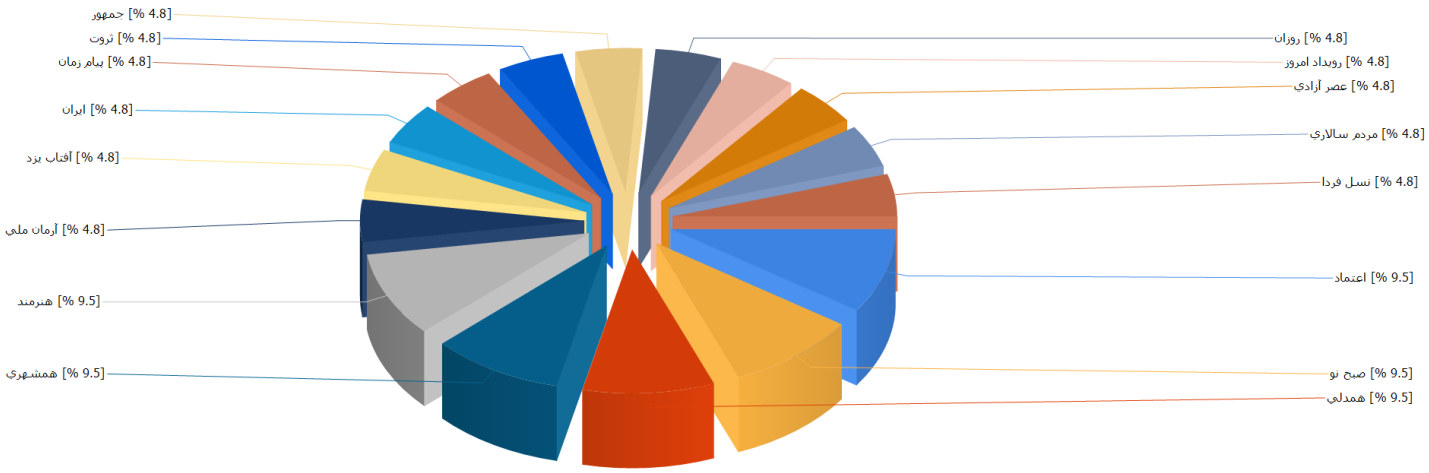

فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

رسانه	عنوان	صفحه
اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب		**۶**
آرمان ملی	نمایشگاه تاریخ تئاتر در «تالار محراب»	۷
آفتاب یزد	«شتر مرغ» تمدید شد	۸
اعتماد	«تئاتر فجر» و معضلی به نام «برنامه ریزی	۹
اعتماد	تئاترِ خارج از سالن گمشده است	۱۰
ایران	تئاتر را باید با فرهنگ بومی ممزوج کرد	۱۱
پیام زمان	دختر مجید قناد بازیگر تئاتر شد	۱۲
ثروت	مدیران بخش مسابقه «عکس و پوستر» و رادیو تئاتر منصوب شدند	۱۳
جمهور	خوشحالم تماشاگرم دنبال دیدن سلبریتی نیست	۱۴
روزان	خاطره جالب سمن قناد از دوران کودکی اش	۱۵
رویداد امروز	ایجاد محدودیت برای فعالان هنری قابل قبول نیست	۱۶
صبح نو	بازبینی ها سلیقه ای است	۱۷
صبح نو	معرفی آثار راه یافته به جشنواره ملی تئاتر کوتاه کیش	۱۸
عصر آزادی	مراسم های فرهنگی چراغ تئاتر و هتر فزدیس را روشن نگه می دارد	۱۹
مردم سالاری	بازی سعید چنگیزیان در نیمه دوم نمایش «روغن کنجد»	۲۰
نسل فردا	نخستین سمپوزیم «آینده تئاتر ایران»	۲۱
همدلی	انتشار شماره سیزدهم «نمایش ساخت»	۲۲
همدلی	بی اعتنایی سرخوشانه منجر به فاجعه	۲۳
همشهری	تاریخ یک امر به شدت نسبی است	۲۴
همشهری	تئاتر نسبت به تصویر هنر اصیل تری است	۲۵
هنرمند	خوشحالم تماشاگرم دنبال دیدن سلبریتی نیست	۲۶
هنرمند	سهیلا جوادی: تئاتر مانند نان شب برای همه مردم مهم است	۲۷

اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل هنرهای نمایشی

روزنامه آرمان ملی
۵
تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

نمایشگاه تاریخ تئاتر در «تالار محراب»

مدیر مجموعه تئـــاتر «محـــراب» اعلام کرد قرار است نمـــایشگاه تاریخ تئاتر ایران برای آشنایـــی نسل جوان و دانشجویان با نسل‌های گذشته و تاریخ تئاتر ایران در این مجموعه تئاتری راه‌اندازی شود. مهرداد کوروش‌نیا مدیر مجموعه تئاتر محـراب که پیش از این اعلام کرده بود یکی از برنامه‌های مدنظر تبدیل این مجموعه به پایگاهی برای تئاتر دانشجویی و نسل جوان تئاتری است، درباره اقدامات صورت گرفته برای رسیدن به این هدف، گفت: قرار است جلسه‌ای را با مدیرکل ارشاد استان تهران برگزار کنیم تا برنامه‌ریزی لازم برای برگزاری یک جشنواره ثابت دانشجویی را که به‌صورت سالیانه و منظم در تالار محراب برگزار شود، انجام دهیم. وی ادامه داد: قرار است برگزاری این جشنواره به گونه‌ای انجام شود که تالار محراب متعهد به میزبانی از اجراهای برگزیده جشنواره باشد. کوروش‌نیا با اشاره به انعقاد تفاهم‌نامه با ۳ دانشگاه و همچنین رایزنی برای داشتن تعاملات با دانشگاه تهران و سوره، از برنامه‌ریزی برای راه‌اندازی نمایشگاه تاریخ تئاتر ایران در تالار محراب خبر داد. مدیر مجموعه تئاتر محراب توضیح داد: در کنار اینکه قصد داریم فضای مجموعه محراب را تبدیل به پاتوقی برای دانشجویان و نسل جوان تئاتر کنیم هدف‌مان این است که دانشجویان، هنرجویان و جوانان تئاتری با نسل‌های گذشته و تاریخ تئاتر ایران آشنا شوند. از این‌رو یا تا پایان سالجاری و یا در نیمه اول سال آینده، نمایشگاه تاریخ تئاتر ایران را در مجموعه تئاتری محراب راه‌اندازی می کنیم. وی در بخش پایانی سخنان خود نیز از برنامه‌ریزی برای برگزاری جشن چهلمین سالگرد تأسیس و آغاز به فعالیت تالار محراب خبر داد و افزود: این جشن یا در ایام فجر یا اسفند سالجاری برگزار می‌شود.

روزنامه آفتاب
۱۱

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

«شترمرغ» تمدید شد

نمایش «شتر مرغ» به کارگردانی محمد لهراسبی و تهیه‌کنندگی امیدرضا سپهری و مهدی کریمپور که در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود به دلیل استقبال مخاطبان تاده اجرای دیگر تمدید شد. «شتر مرغ» با بازی مهران امام‌بخش، مهلقا باقری، افشین حسنلو و بهنام شرفی داستان چند نفر است که بدون اینکه بدانند در دنیایی عجیب گیر افتاده‌اند و در این میان یکی از آن‌ها مدام سعی می‌کند دیگران را مجاب کند که چیزی این وسط اشتباه است. به گزارش ایلنا، «شترمرغ» جدیدترین اثر گروه تئاتر مربع ۱۱ است که پیش‌تر در سال ۹۸ نمایش موزیکال «عروس مردگان» را به کارگردانی امیدرضا سپهری روی صحنه برده است و تا پایان دی در سالن ارکیده پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود.

روزنامه اعتماد
صفحه ۷

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

«تئاتر فجر» و معضلی به نام «برنامه‌ریزی»

چهلمین جشنواره تئاتر فجر نیز همچون دوره‌های گذشته این جشنواره نه در تقویم زمان برگزاری جشنواره و نه در گاه‌شمار اعلام شده در فراخوان، از یک زمانبندی و برنامه‌ریزی منظم برخوردار نیست. مهر در همین رابطه می‌نویسد: موضوع زمانبندی در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر موضوعی متغیر بوده و گاه‌شمار برگزاری دوره‌های مختلف جشنواره ثابت نبوده است. هنوز که هنوز است بر خلاف جشنواره فیلم فجر، جشنواره تئاتر فجر از زمان مشخصی برای برگزاری برخوردار نیست و در اکثر دوره‌ها در تقویم زمانی متفاوتی برگزار شده است. عجیب است که جشنواره فیلم فجر با توجه به تمامی مناسبت‌های موجود در تقویم رسمی کشور می‌تواند از ۱۲ تا ۲۲ بهمن هر سال برگزار شود ولی جشنواره تئاتر فجر باید تقویم زمانی متغیری برای برگزاری داشته باشد.

تقویم بلاتکلیف یک رویداد!

برای مشخص‌تر شدن این تغییرات زمانی در برگزاری جشنواره تئاتر فجر می‌توان نگاهی به زمان برگزاری این جشنواره طی بیش از یک دهه گذشته انداخت. بیست و هفتمین جشنواره تئاتر فجر در سال ۸۷ و بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر در سال ۸۸ از ۲ تا ۱۱ بهمن برگزار شد. اما بیست و نهمین جشنواره تئاتر فجر در سال ۸۹ از ۱۷ تا ۲۶ بهمن برگزار شد. سی امین جشنواره تئاتر فجر هم سال ۹۰ از ۵ تا ۲۲ بهمن برگزار شد اما دور سی و یکم باز هم با تغییر زمان در برگزاری همراه بود و ۲ تا ۱۱ بهمن زمان برگزاری دوره سی و یکم جشنواره تئاتر فجر بود. سی و دومین جشنواره تئاتر فجر از ۲۴ دی تا ۱۲ بهمن در سال ۹۲ برگزار شد و زمان برگزاری سی و سومین جشنواره تئاتر فجر در سال ۹۳ از ۱ تا ۱۲ بهمن بوده است. در سال ۹۴ نیز زمان برگزاری سی و چهارمین جشنواره تئاتر فجر از ۱ تا ۱۲ بهمن بوده اما سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در سال ۹۵ از ۱۰ دی تا ۱۲ بهمن برگزار شد. سی و ششمین جشنواره تئاتر فجر نیز از ۲۸ دی تا ۹ بهمن سال ۹۶ برگزار شد و زمان برگزاری سی و هفتمین جشنواره تئاتر فجر از ۲۲ بهمن تا ۴ اسفند سال ۹۷ بود. در سال ۹۸ سی و هشتمین جشنواره تئاتر فجر از ۱۰ تا ۲۱ بهمن برگزار شد و زمان برگزاری سی و نهمین جشنواره تئاتر فجر نیز در سال کرونایی ۹۹ از ۱۱ تا ۲۰ بهمن بود. قرار است چهلمین جشنواره تئاتر فجر نیز در راستای نداشتن تقویمی مشخص در برگزاری از ۱۴ تا ۲۶ بهمن برگزار شود. البته نباید این واقعیت مهم را نادیده گرفت که در هیچ یک از مراحل برگزاری ادوار مختلف جشنواره تئاتر فجر حداقل طی بیش از یک دهه گذشته، از انتخاب و معرفی دبیر، تدوین و انتشار فراخوان و گاه‌شمار اعلام شده در فراخوان هیچ‌گاه شاهد وجود یک زمانبندی درست و دقیق حتی در یک دوره جشنواره هم نبوده‌ایم. چهلمین جشنواره تئاتر فجر نیز از ادوار گذشته خود در تغییر تقویم برگزاری و همچنین تغییر در گاه‌شمار اعلام شده در فراخوان تبعیت کرده است.

۲۵ آذر گذشت، آثار راه‌یافته معرفی نشد!

طبق فراخوان منتشر شده چهلمین جشنواره تئاتر فجر، زمان اعلام اسامی آثار راه‌یافته به این دوره از جشنواره در بخش نمایش‌های صحنه‌ای، چه رقابتی، چه غیر رقابتی و چه آثار استانی، ۲۵ آذر اعلام شده است. در بخش تئاتر خیابانی هم فراخوان جشنواره تاریخ ۲۵ آذر را برای اعلام اسامی آثار راه‌یافته به چهلمین جشنواره تئاتر فجر در نظر گرفته است. در بخش دیگر گونه‌های اجرایی جشنواره چهلم که دارای چند مرحله بازبینی است، ۱۵ آذر به عنوان تاریخ اعلام آثار راه‌یافته به جشنواره اعلام شده است. این در حالی است که روز ۱۰ آذر و طی خبری که از سوی روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت، هیات انتخاب بخش دیگر گونه‌های اجرایی چهلمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر متشکل از امیر راد، سعید بهنام و محمد سایبانی، پس از بررسی ۴۰ اثر متقاضی حضور در این بخش، در مرحله اول ۲۶ اثر و در مرحله دوم پس از گفت‌وگو با صاحبان آثار درباره تولید و ارایه، ۱۲ اثر را برای حضور در مرحله نهایی بازبینی انتخاب و معرفی کردند. طی این خبر اعلام شد کارگردان‌های آثار معرفی شده ضروری است تا تاریخ ۹ دی اثر کامل خود را به منظور حضور در مرحله نهایی انتخاب، به دبیرخانه جشنواره ارایه کنند. واقعیت این است که مدیریت تئاتر ایران در اکثر سال‌های سپری شده از داشتن برنامه و برنامه‌ریزی خالی بوده و جشنواره تئاتر فجر نیز خارج از شرایط این روند مدیریت تئاتری نیست.

عطاالله امیدوار درگذشت

عطاالله امیدوار هنرمند مطرح کشورمان شامگاه دوشنبه (۱۳ دی ماه) در حالی که مدتی با بیماری مبارزه می‌کرد، دار فانی را وداع گفت. محمدامین امیدوار فرزند این هنرمند عرصه‌های معماری، عکاسی، موسیقی و نقاشی در حالی که از درگذشت پدر حال مساعدی نداشت، در گفت‌وگویی با ایسنا این خبر را تایید و خاطرنشان کرد: پدرم پس از گذراندن دوره بیماری، متاسفانه در بیمارستان جان خود را از دست دادند. او با نامشخص خواندن زمان تشییع پیکر عطاالله امیدوار، از تلاش‌ها برای خاکسپاری این هنرمند در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) خبر داد. پسر عطاالله امیدوار در جمله‌ای کوتاه درباره پدر چنین گفت: پدرم دوست همیشگی‌ام بود. یک دوست واقعی که در تمام مدت زندگی تکیه‌گاه و همراه من بود.

عطاالله امیدوار در سال ۱۳۲۵ در شهر بافت استان کرمان متولد شد.

روزنامه اعتماد
صفحه ۷

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

مروری بر تئاتر خیابانی و پرفورمنس‌های سیاسی-اجتماعی

تئاترِ خارج‌از سالن گمشده است

نیلوفر ثانی

در شب ۲۵ آگوست سال ۱۸۳۰ نمایش «دختر لال پورتیچی» اثر دانیل اوبر در تئاتر دولامونه بروکسل اجرا شد. این اپرا درباره ماهیگیری شورشی و روایت قیام مردم ناپل علیه حاکمیت زورگوی تحمیلی بود. اواسط اجرا، هنگامی که تماشاگران جمله «عشق به وطن مقدس است» را شنیدند، شوق و شوری عجیب سالن را در برگرفت. کل تئاتر در حرکت قدرتمند متحد شدند و همه تماشاگران و بازیگران از جای‌شان برخاستند، صندلی‌ها و نیمکت‌ها و هر آنچه به دست‌شان رسید برداشتند، ناگهان از تئاتر بیرون زدند و به کوچه و خیابان‌های بروکسل هجوم آوردند. انقلاب بلژیک اینچنین آغاز شد. ۱۴ اکتبر همان سال، بلژیک از سلطه هلند خارج شد و اعلام استقلال کرد. از دهه ۶۰ قرن بیستم در اروپا تغییرات اجتماعی و سیاسی وسیعی به ویژه با حضور دانشجویان رخ داد که حاصل آن تحولات گسترده‌ای بر حوزه‌های مختلف به ویژه هنر و تئاتر بود. تئاتری که به سمت و سوی مواضع خاصی از بیان و طرح ایده‌های اجتماعی حرکت کرد و آگاهمندی سیاسی مخاطبانش را در اولویت قرار داد. هر چند این جنبش‌ها اغلب مستقیما در برخورد با سیستم داخلی همان کشورهانبود، اما به‌طور اهم بسیاری از مسائل پوشیده از انظار مردم را به نمایش گذاشت و جامعه را به سوی مبارزه‌ای آگاه و نظام‌یافته سوق داد و کلیتی را مطرح ساخت که نقدی بر هر دولت معاصر بست که ویژگی‌های سلطه و سرکوب دارد و این شعار را که «مردم یک اجتماع هم بخشی از راه‌حل هستند و هم بخشی از مشکل» سر دهد. در این گستره توجه به گروه‌هایی بیشتر شکل گرفت که در طی ادوار گذشته تاکنون، همچنان در گیر مناقشات اجتماعی و مطالبات داد خواهی‌اند؛ وضعیت زنان و قمنیست‌ها، کارگران، تبعیض نژادی، مناسبات سرمایه، شکاف طبقاتی، آزادی‌های فردی، حقوق شهروندی و... وقتی دولت‌ها به شکل مستمر و مصرانه سانسور را در اولویت تمام برخوردهای هنری قرار دهند، ناخودآگاه بپذیرند مستقیمی بین هنر و سیاست برقرار می‌شود. این تاثیر هرچند تصمیمی بیرونی است اما کاملا در روند درونی هر اثر هنری تاثیر گذار است، بنابراین خروجی تولیدات هنری در این دست جوامع، بی‌هیچ مقاومت و تفکری به عنوان پشتوانه، اغلب محصولی ناخالص از ابداع و خلاقیت‌های صرف هنرمندانه و آنچه در نهایت تولید می‌شود، بی‌تاثیر از وضعیت اجتماعی و مواضع موجود نخواهد بود. این در حالی است که زمینه کنش‌های خلاقانه و آنرناتیو برای هنرمندان کنشگر و هر اثر هنری که بتواند خود را از این هجوم در امان نگه دارد و تا جای ممکن وفادار به مولف باشد، بستری آماده است. شاید نقش مهم هنرمند به ویژه فعالین تئاتر در این عرصه همین است که بتوانند امر اجتماعی و سیاسی معاصر را با نگاهی نقادانه و آگاهی‌بخشی بازتاب دهند یا آن را در موقعیتی زیستی اجرایی کنند چنانکه مخاطبان آنها، به اندیشه و تفکر کردن وادا شته شوند.

به عقیده آگوستو بوآل و برتولت برشت، سیستم مسلط و انفعال تئاتر رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند: مفهوم سیستم غالب این است که به مخاطب اجازه اندیشیدن داده نمی‌شود و وضعیت منفعل او به طریقی است که هیچ کنشی از او سر نزند و به عنوان تماشاگر در مسیر و رخداد صحنه مداخله‌گر و در تعامل عملی نباشد. هر آنچه از او بروز کند، در یک طیف ذهنی و تجربه شخصی، آن هم با مختصاتی که به او حقنه می‌شود، باشد و اساسا از معضلات روز جامعه، در چارچوب‌های تعیین‌شده نظارتی، نکاتی گفته شود و نه آنکه پرسش، تفکر و دغدغه‌مندی ایجاد کند و نه حتی آنان را به تجسس و کنکاش بیشتر وادارد. آگوستو بوال وقتی در برزیل کار می‌کرد در صدد راهی بود که مناسبات رایج تغییر کند، مخاطبش نه تنها درگیر اندیشه و موقعیت شود بلکه اجازه عمل کردن یا مشارکت را نیز به خودش بدهد. در این وضعیت، کنش از صحنه به خارج از آن منتشر می‌شود و از جمعی به جمعیتی از رخوت و آسایی تن‌ها به انفیاد و حرکت و از چارچوب‌های بسته محدود و خصوصی سالن‌های تئاتر به فضای عمومی‌تر. به همین دلیل آگوستو بوآل عقیده دارد کروش‌های گوناگون تئاتری، قادر است تئاتر کنشگر ایجاد کند، به‌ویژه که از ساختارهای قاعده‌مند و مکان‌های تئاتر سنتی، فراتر رود و به خیابانی بیاید که عملا هویتش در وقایعی است که آنجا به وقوع می‌پیوندد و به هویت ملی گره می‌خورد. همانند تمامی جوامعی که خیابان در آنها به نقطه عطف تغییرات و هویت جمعی بدل شده و حتی نام بسیاری از آنها برگرفته از همان تاریخ یا واقعه است که در آن مکان رخ داده. گویی تاریخ آن خیابان، از همان رویداد، هویت واقعی‌اش را یافته است. درست شبیه به وقایع مه ۶۸ در فرانسه.

«خیابان و رخداد»

۱۹۸۹ جمع زیادی از کارگردانان، دانشجویان و مردم در اعتراض به مواضع دولت به خیابان‌های شانگهای ریختند و دانشجویان تئاتر آکامی شانگهای برفورمنس‌هایی اجرا کردند که هزاران تماشاگر را در خود جمع کرد. تصاویر این جمعیت به سراسر جهان مخابره شد. همین رویداد حضور در خیابان بعدها به واقعه میدان «تیان آن من» پکن رسید. میدانی که خود جلوه و جایگاهی برای قدرت‌نمایی آیینی و تئاتری تعبیه شده بود. خواست دانشجویان و معترضانی که طی سال‌های متوالی در این میدان تجمع می‌کردند در وهله اول «شفاف‌سازی» بود. مطالبه دموکراسی و تحقق وعده‌هایی عملی نشده. واقعه ۱۹۸۹ تیان آن من به شهادت تمام شاهدان و خبرنگاران خارجی «تئاتر سیاسی» محسوب می‌شد. تئاتری خیابانی که با وجود فرم سیال و همراهی متغیر با بگرانش، شباهتی به نمایش‌های سنتی ندارد، در همان سبک و شیوه تئاتری کالیته‌ای است که در وقایع خیابانی، دراماتورژی شده و وجوه نمایشی به خود می‌گیرد. تمام افراد حاضر در خیابان، در تعامل با اجراگران، بازیگرانی هستند که با پیوند تئاتر و خیابان، در عرصه اجتماعی تحت تاثیر قرار می‌گیرند.

بنابراین هر آنچه در خیابان حضور دارد و به موجودیت می‌رسد، مرتبط با امر اجتماعی و سیاسی و وجوه تئاتری است. محلی که کاربری آن در جهان معاصر، معطوف به فروشگاه‌ها، رستوران‌ها، مال‌ها، آسمان‌خراش‌ها و مراکزی شده است که بیش از آنکه قرار باشد در جهت سیاسی و اجتماعی جامعه راهگشایی کند، تبدیل به زنجیره نظام مصرفی شده است که عابران را به نوعی شیفتگی در ترغیب هرچه بیشتر مصرف و مبادلات کالایی سوق می‌دهد و ذهنیتی سرمایه‌محور می‌سازد.

«خیابان صحنه است»

ژانویه ۱۹۶۸ دولت کمونیست لهستان، اجرای تئاتری Dziady را در سالن نمایش ورشو با وجود آنکه پیش از ۱۴ شب اجرا شده بود، به دلیل مضمونی ضد کمونیستی، توقیف کرد و کارگردان نمایش کازیمیش دیمک را که در دوران جنگ دوم جهانی بارتیزان و عضو حزب بود، ابتدا از حزب و سپس از تئاتر ملی اخراج کرد. نویسندگان و منتقدان هنری بیانیه‌ای اعتراضی در رد این برخورد صادر کردند، یک هفته بعد ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان با تجمع در دانشگاه ورشو به این اقدام دولت اعتراض کردند و با برخورد شدید نیروهای بلیس و ضدشورش مواجه شدند. طی ۴ روز اعتراضات به تمام شهرهای لهستان کشیده شد و جنبش دانشجویان به تجمعات اعتراضی و فراخوان اعتصابات عمومی بیش از پیش روی آورد، چنانکه در سرکوبی شدید از سمت کارگران حزب کمونیست و پلیس، حدود ۳۰۰۰ دانشجو و فعال جنبش دانشجویی دستگیر شدند. اگرچه این واقعه مغلوب نیروهای امنیتی و خشونت بلیس شد اما جرقه‌های گشایش‌های رویدادهای بعدی و خود آگاهی سیاسی عمیقی رقم خورد.

«دیوار برلین فروریخت»

بیایید به آلمان شرقی برویم؛ جایی که وقتی «همه باهم» به خیابان آمدند، بدون شک امکانی از ظرفیت‌های زندگی ایجاد شد، چه برای حضور در یک تصمیم‌گیری جمعی و رفراندوم سیاسی و چه برای تفریح و لذت. زمانی که دیوار برلین فروریخت مردم بر خرابه‌های آن می‌رقصیدند. در خیابان، با حفظ هویت فردی، هر کس دارای هویت جمعی می‌شود که به لحاظ اجتماعی و سیاسی، حائز اهمیت است. اگر کسی جز در خانه‌اش، در خیابان و اماکن عمومی مطالعه کند، جنبه‌های بسیاری را با این عمل به فرهنگ اجتماعی پیوند می‌زند.

همان اندازه که بی‌بندوباری، فساد، معضلات اجتماعی، رفتارهای توهین‌آمیز، تبعیضات جنسیتی و طبقاتی، برخوردهای سرکوبگرانه دولتی و ارعاب و وحشت، خیابان را بازتاب می‌دهد، به همان میزان هر نوع رفتار انسانی، عادلانه و شعورمند و آگاهانه شهروندی نیز، می‌تواند هویتی برای خیابان باشد.

خیابان هم صحن شادی و سرور در پیامد مناسبات ملی و آیینی است و هم صحن خشونت و ایستادگی. هم محل بزرگداشت قهرمانان وطنی و هم دفع آشوبگری.

«دوره‌گردهای سان‌فرانسیسکو»

نخستین بار در سال ۱۹۶۵ برای توصیف تئاترهای خیابانی «مایم تروپ سان‌فرانسیسکو» از اصطلاح تئاتر چریکی استفاده شد. گروه تئاتری دوره‌گرد که در بارک‌های سان‌فرانسیسکو نمایش اجرا می‌کردند. آر.جی. دیویس و ریچارد شکنر که هر کدام در این باره مقاله مهمی نوشته‌اند ضمن به کاربردن این اصطلاح تاکید می‌کنند که این گونه تئاتری، نمایشی موثر با مواجهه اجتماعی به منظور مقابله با دوروبی در جامعه است که گروه‌های اکتیویست سیاسی از این روش برای بازتاب بهره می‌برند. نمونه‌های زیادی نیز وجود دارد که در بزنگاه‌های مهم سیاسی به ویژه جنگ ویتنام و اعتراضات دهه ۶۰ به شکلی بین‌المللی تکامل پیدا کرد و حامی مقاومت اجتماعی و سیاسی با کاربست حضور در خیابان شد. چنانکه پس از رخداد می ۶۸ ژاک لوبل با دانشجویان تئاتر به اجرای تئاتر چریکی در پاریس پرداختند و این تجربیات را تحت عنوان «مهم‌ترین تئاتر خیابانی سیاسی پاریس ۶۹-۱۹۶۸» منتشر کردند. نمایشی خیابانی از مطالبات و خواست عمومی در مبارزه با سیستم و قدرت سرمایه‌داری، پروپاگاندای دولتی و هر آنچه سبب تحمیق مردم می‌شود؛ این دست حضور و نمایش‌های خیابانی، بینشی می‌خواهد که موضوعات و مشکلات جامعه را به شکلی نقادانه و پرسشگرانه مطرح کند، خلاقیت و آفرینندگی مانند جهان هر داشته باشد و مشارکت مردم را در خیل کند، بی‌آنکه متوسل به تفسیرهای پرحاشیه شود یا دست به اعمال خشونت‌بار و متشنج و از دحام بزند. بر ضد تریبون‌های رسانه‌ای مسلط که تماما دروغ‌بافی و جنگ‌روانی است، به آگاهی‌بخشی افکار عمومی و رد سانسور عمل کند و بی‌آنکه به هر شکلی از آشوب و تخریب و تهاجم، دچار شود، به شکلی نمادین، کنش و رزانه و وسیله‌ برو ز عقاید، افکار و خواسته جامعه باشد و در نهایت و برهمگان آشکار کند که قدرت واقعی در تئاتر خیابانی است.

منابع:
خیابان صحنه است / ریچارد شکنر / مایکل کربی / رانی دیویس / آگوستو بوآل
تئاتر در جامعه / رضا کوچک‌زاده / مجموعه مقالات پژوهشی درباره «پاتریس شرو» کارگردان پیشرو موج نو تئاتر فرانسه / شیما صادقی
نظریه در تئاتر / مارک فورتیه / فرزان سجودی / نریمان افشاری
بوطیقای صحنه / علی تدین / مجموعه مقالات جلد ۱ و ۲

ژانویه ۱۹۶۸ دولت کمونیست لهستان، اجرای تئاتر Dziady را در سالن نمایش ورشو با وجود آنکه پیش از آن ۱۴ شب اجرا شده بود، به دلیل مضمونی ضد کمونیستی، توقیف کرد و کارگردان نمایش کازیمیش دیمک را که در دوران جنگ دوم جهانی بارتیزان و عضو حزب بود، ابتدا از حزب و سپس از تئاتر ملی اخراج کرد. نویسندگان و منتقدان هنری بیانیه‌ای اعتراضی در رد این برخورد صادر کردند، یک هفته بعد ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان با تجمع در دانشگاه ورشو به این اقدام دولت اعتراض کردند و با برخورد شدید نیروهای بلیس و ضدشورش مواجه شدند. طی ۴ روز اعتراضات به تمام شهرهای لهستان کشیده شد و جنبش دانشجویان به تجمعات اعتراضی و فراخوان اعتصابات عمومی بیش از پیش روی آورد، چنانکه در سرکوبی شدید از سمت کارگران حزب کمونیست و پلیس، حدود ۳۰۰۰ دانشجو و فعال جنبش دانشجویی دستگیر شدند. اگرچه این واقعه مغلوب نیروهای امنیتی و خشونت بلیس شد اما جرقه‌های گشایش‌های رویدادهای بعدی و خود آگاهی سیاسی عمیقی رقم خورد.

روزنامه ایران
۲۴
تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

تئاتر را باید با فرهنگ بومی ممزوج کرد

یادداشت

سیدعظیم موسوی
کارگردان و
پژوهشگر تئاتر

یکی از مسائلی که در حوزه نمایش‌های آیینی و سنتی، با هر رویکرد و بحثی، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و اتفاقاً بیش از هر چیزی لازم است و پیش‌برنده، بحث آموزش و در وهله دوم بسترسازی‌ها و کار مدام است. کمبود و خلأ در این زمینه باعث می‌شود که ما نتوانیم پیشرفت ملموسی در این حوزه از هنرهای نمایشی داشته باشیم و اگر جشنواره‌ای هم برگزار می‌شود، متأسفانه به‌دلیل نبود این زیرساخت‌های لازم، جشنواره‌ای نیست که خروجی‌های مهم و مثبتی داشته باشد. در واقع وقتی سیستم آموزشی نباشد و تمرکز جدی روی مقوله‌های نمایش‌های ایرانی در خور توجه آکادمیک قرار نگیرد وضع به همین منوال خواهد بود. خیلی‌ها می‌خواهند تقصیر را به گردن هنرمند بیندازند و بگویند اگر ضعفی در این زمینه وجود دارد از کم‌کاری هنرمندان است اما این درست نیست، هنرمند به‌تنهایی و بدون بودجه و محل تمرین و امکانات ساده چگونه می‌تواند یک‌تنه چنین کار مهمی را به سرانجام برساند؟ اتفاقاً به نظر من کسانی در این امر به‌صورت مستقیم تأثیرگذار هستند که دستی بر آتش ایجاد و زمینه‌سازی بسترها دارند و از آنها باید انتظار داشت که در کنار هنرمند باشند و به او کمک کنند که در پروسه‌ای نه کوتاه مدت، مسیر را طی کند و به منزلی برسد. هر موضوعی که فکرش را کنیم زیر لوای همین آموزش معنی می‌شود و این آموزش است که می‌تواند نه فقط هنرمندان بلکه منتقدان را هم آگاه‌تر از چیزی کند که امروز هستند. ما باید تاریخ و تمدن و هنر سرزمین خودمان را بخوبی بشناسیم تا بتوانیم از ظرفیت‌های آن استفاده کنیم و چنین کار مهمی با یک ترم کلاس به دست نمی‌آید. اگر نگاهی به جشنواره‌های تئاتر در سراسر دنیا بیندازیم، آن‌طور که تجربه به من نشان داده، آنها مشتاق دیدن و شنیدن کارهایی هستند که از فرهنگ‌های مختلف و آیین‌های متفاوت دورهم آمده و می‌گویند اگر قرار باشد مثلاً ایرانی‌ها شبیه انگلیسی‌ها نمایشی روی صحنه ببرند، خود انگلیسی‌ها این کار را بهتر از دیگران انجام خواهند داد. آنها می‌دانند که مثلاً در کشور ما آیین‌ها چطور از جغرافیایی به جغرافیا و بومی دیگر متفاوت است و تشنه دیدن و شنیدن این ظرفیت‌ها هستند. طی سال‌های اخیر من و دوستان معدود دیگری، هر چه در جیب داشتیم، وسط گذاشتیم و به روستاهای مختلف سفر کردیم و این آیین‌ها و سنت‌ها را ثبت و ضبط و بعد آنها را با هم مقایسه کردیم و کار پژوهش و تحقیق را پیش بردیم تا بتوانیم از آنها در متون نمایشی امروزی استفاده کنیم. اما این به‌تنهایی و یک‌تنه امکانپذیر نیست و راه‌به‌جایی، حداقل آن‌طور که ایده‌آل و مد نظر است، نمی‌برد. یکی دیگر از مشکلاتی که ما عموماً با آن مواجه هستیم تغییرات مدیریتی است. مثلاً یک روزگاری با دوستان شورایی در سنگلج تشکیل دادیم و گفتیم این تماشاخانه فقط مختص نمایش‌های ایرانی باشد و به همین دلیل هم، شاخص‌های نمایش‌های ایرانی مشخص شد و کار پیش رفت. اما بعد از مدتی مدیر عوض شد و کل آن نقشه راهی که ما چیده بودیم به مشکل خورد. این نمونه‌ای از چالش‌هایی است که وجود دارد و آسیب‌زننده است. کار، کار سترگی است که باید نگاهی طولانی مدت و ریشه‌دار پشت آن باشد تا به جایی برسد؛ وگرنه ما باز مدام برمی‌گردیم سر خانه اول و هر چه به پشت نگاه می‌کنیم می‌بینیم هنوز جز چند کار محدود شاخص، مصداقی برای معرفی تمام و کمال نمایش‌های ایرانی نداریم. اگر می‌خواهیم تئاتر در کشور ما استخوان‌دارتر و پخته‌تر شود، ناگزیریم که آن را با فرهنگ بومی خودمان ممزوج کنیم و غیر از این بعید است بتوان موفقیتی حاصل کرد.

روزنامه زمان
صفحه ۸

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

دختر مجید قناد بازیگر تئاتر شد

محمد معتضدی و سمن قناد دو بازیگر نمایش «آخرین قطره از نیمه پر لیوان» به نویسندگی و کارگردانی آرش واحدی و تهیه‌کنندگی هدیه محقق شدند که از هفته آینده، ۲۰ دی‌ماه ساعت ۲۰ در تماشاخانه استاد انتظامی خانه هنرمندان ایران روی صحنه خواهد رفت.

در خلاصه داستان این نمایش چنین آمده است: «هر زمان حرف از آینده دور به زبان می‌آید تمام افکار به سوی پیشرفت هدایت می‌شود. ولی شاید در دنیای فتوریستی که تصور می‌کنیم معنی واژه‌های ساده امروز با گذر زمان و اتفاقات پیش رو تغییر کند. با این پیش‌فرض شاید تراژدی‌های امروز، طنزهای ساکنین ۳۰۰ سال بعد باشند و شاید برعکس! هر چه هست زمین، وطن و روابط انسانی در آن زمان شکل دیگری به خود می‌گیرند.»

مدیریت تولید نمایش «آخرین قطره از نیمه پر لیوان» به عهده آوا فیاض است.

روزنامه ثروت
صفحه ۸

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

مدیران بخش مسابقه «عکس و پوستر» و رادیوتئاتر منصوب شدند

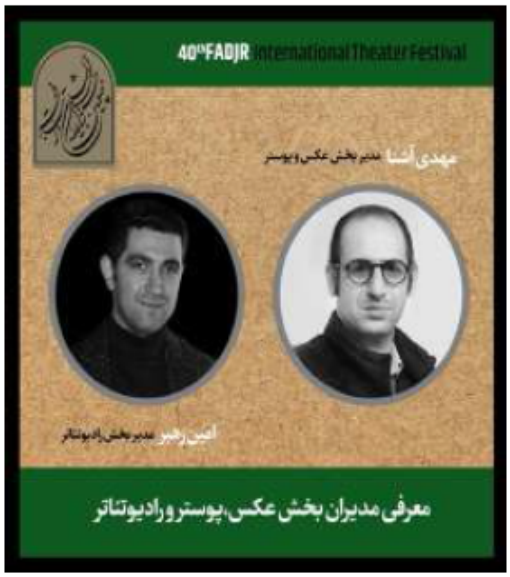

مهدی آشنا با حکم دبیر چهلمین جشنواره تئاتر فجر به سمت مدیر بخش مسابقه و نمایشگاه «عکس و پوستر» و امین رهبر به عنوان مدیر بخش رادیوتئاتر این رویداد معرفی شدند.

به گزارش ایرنا از ستاد خبری جشنواره تئاتر فجر، حسین مسافرآستانه دبیر چهلمین دوره این رویداد، مهدی آشنا عکاس تئاتر، سینما و تلویزیون و امین رهبر فیلمساز و کارگردان تئاتر را به عنوان مدیر دو بخش مجزای چهلمین دوره جشنواره تئاتر فجر معرفی کرد.

آشنا در جشنواره سال گذشته همین سمت را برعهده داشت و پیش از این به عنوان داور بخش عکس و مدیر اجرایی در جشنواره تئاتر فجر فعالیت کرده است.

عضویت در انجمن های عکاسان مطبوعات ایران، انجمن عکاسان ایران، فدراسیون جهانی عکاسی فیاپ (FAIP) فرانسه، عکاسان تئاتر، آسینما، دبیری بخش نگاه هنرمند سومین جشنواره فیلم و عکس همراه تهران، دبیری پنج دوره بخش پوستر و عکس جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی، دبیری بخش عکس و پوستر سومین جشنواره تئاتر شهر، داور بخش عکس سی و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، داور بخش عکس جشنواره بین المللی فضا و فرم استامبول(ترکیه) و عکاسی از چندین تئاتر و پروژه سینمایی و تلویزیونی بخشی از سوابق مهدی آشنا است.

امین رهبر نیز دارای دکترای فلسفه هنر بوده و چهار دوره مدیریت بخش رادیو تئاتر جشنواره تئاتر فجر را به عهده داشته است. او هم‌اکنون به عنوان پژوهشگر اداره‌کل هنرهای نمایشی رادیو و رادیو نمایش فعالیت می‌کند.

رهبر طی سال‌ها فعالیت خود توانسته افتخاراتی را همچون «جایزه بهترین فیلم انیمیشن از فستیوال فیلم مونیخ، جایزه بهترین انیمیشن از دو فستیوال فیلم در ایتالیا، جایزه بهترین فیلم انیمیشن جشنواره صداوسیما، جایزه بهترین مقاله جشنواره نمایش‌های رادیویی، جایزه بهترین فیلم جشنواره بین‌المللی سیمرغ، جایزه بهترین فیلم جشنواره فیلم استانبول، جایزه بهترین فیلم جشنواره زیتون سرخ، جایزه اول جشنواره فیلم‌های عاشورایی و جایزه اول جشنواره دانشجویی صدا و سیما» کسب کند.

چهلمین دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از ۱۴ تا ۲۶ بهمن‌ماه به دبیری حسین مسافرآستانه برگزار می‌شود.

روزنامه جمهور
صفحه ۷

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

خوشحالم تماشاگرم دنبال دیدن سلبریتی نیست

خوشحالم تماشاگرم دنبال دیدن سلبریتی نیست

پریسا نوروزی که این روزها نمایش «بخوابم یا روایت شب پنجره‌ای» را روی صحنه می‌برد، با ابراز خوشنودی از استقبال تماشاگران از این اثر نمایشی می‌گوید: خوشحالم تماشاگرم برای دیدن تئاتر آمده و نه سلبریتی.

این کارگردان جوان که نمایش خود را در تالار مولوی روی صحنه می‌برد، در گفتگو با ایسنا از سختی اجرای مونولوگ می‌گوید و ابراز خوشنودی می‌کند که طی یک اتفاق، نمایش خود را در تالار مولوی روی صحنه برده است.

نوروزی که اجرای آثار تک‌گویی را کار سختی می‌داند، در این باره توضیح می‌دهد: اجرای مونولوگ هم برای کارگردان سخت است و هم بازیگر و هم از نظر جذب مخاطب دشواری بیشتری دارد. اما از آغاز ایده من برای مونولوگ بود. طرح کوتاهی داشتم که مناسب این گونه نمایشی بود تا اینکه خبر برگزاری جشنواره دانشجویی مونولوگ افرا را دیدم و فکر کردم فرصت مناسبی است تا ایده‌ام را کامل و آن را به یک نمایش تبدیل کنم.

او که در این جشنواره در بخش بازیگری و کارگردانی تقدیر شده است، ادامه می‌دهد: آثار جشنواره در تماشاخانه نوفل لوشاتو اجرا شدند و طبق پیشنهاد جشنواره قرار بود در همین تماشاخانه هم اجرای عمومی داشته باشیم ولی بدقولی سالن و شرایط نامناسبی که برای اجرا وجود داشت، سبب شد به فکر سالن دیگری بیفتیم. یک هفته سخت و نفس گیر را سپری کردیم تا اینکه موفق شدیم در تالار مولوی اجرا بگیریم که اتفاق بسیار خوبی است.

او با ابراز خرسندی از استقبال تماشاگران از تئاتر در چند وقت اخیر اضافه می‌کند: بعد از اینکه شرایط کمی عادی شد، به طرز عجیبی، اجراهای نمایشی با اقبال تماشاگران رو به رو شدند. تا همین چند وقت پیش بسیاری از گروه‌ها برای اجرای آثار خود تردید داشتند و شرایط را ترسناک می‌دیدند ولی حالا خوشبختانه با استقبال تماشاگران رو به رو شده‌ایم و جالب است که همه این تماشاگران خودشان تئاتری نیستند بلکه مخاطبان حرفه‌ای تئاتر هستند.

نوروزی خاطرنشان می‌کند: البته شرایط برای کارهای مونولوگ سخت‌تر است چون این آثار از نظر جذب مخاطب، با دشواری بیشتری رو به رو می‌شوند اما خدا را شکر می‌کنم که تماشاگران از اجرای ما به گرمی استقبال کردند. زیرا وقتی با یک عنوان دانشجویی کار می‌کنی و هیچ چهره شناخته شده‌ای هم در کارت حضور ندارد، واقعا عجیب است که تماشاگران از کار استقبال کنند و من هر شب که به سالن می‌روم، خدا را از این بابت شکر می‌کنم.

او درباره تفاوت تماشاگران تئاتر در سالن‌های دولتی و خصوصی می‌گوید: شاید بتوان گفت که مخاطب سالنی مانند مولوی، حرفه‌ای‌تر است. اتفاقی که این روزها برای ما افتاده، شبیه رویای دوره دبیرستان من است. از آن زمان با خودم فکر می‌کردم سینما را انتخاب نمی‌کنم و انتخابم تئاتر است که حاشیه امن و فضای آرام‌تری دارد تا اینکه در چند سال اخیر با ورود سلبریتی‌ها به تئاتر مواجه شدیم. مشکلی ندارم اگر یک سلبریتی مناسب بازی در یک نقش خاص باشد ولی مشکل زمانی است که این موضوع به تنها عامل تعیین کننده در تئاتر تبدیل بشود.

او می‌افزاید: از این جهات تالار مولوی، حاشیه امن‌تری دارد و حاضرم نمایشم را در این سالن با ۵ تماشاگر روی صحنه ببرم ولی اطمینان داشته باشم که آنها برای تماشای تئاتر آمده‌اند و به دنبال دیدن سلبریتی نیستند.

نوروزی ابراز خوشنودی می‌کند: بنابراین برای گروه ما اتفاق خوشایندی بود که سالن‌مان عوض شد ضمن اینکه حضور در جشنواره افرا هم سبب شد مورد حمایت قرار بگیریم. خوشبختانه همیشه در جشنواره‌ها مورد اقبال قرار گرفته‌ام و از این نظر بسیار خوشحالم. برگزاری جشنواره‌ها از این جهت برای جوانانی مانند ما، انگیزه‌بخش است.

نمایش «بخوابم یا روایت شب پنجره‌ای» روایتی تو در تو و خواب گونه است. در این نمایش با زنی جوان مواجه می‌شویم که با مساله‌ای رو به رو شده و برای روایت آن، گذشته خود را واکاوی می‌کند.

این اثر نمایشی تا ۲۴ دی هر روز ساعت ۱۷ در تالار مولوی روی صحنه می‌رود و سمیرا زائری تک بازیگر آن است. سعید زارعی هم به عنوان مشاور کارگردان با اجرای این نمایش همکاری دارد.

روزنامه روزان
صفحه ۸

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

خاطره جالب سمن قناد از دوران کودکی‌اش

سمن قناد، بازیگر تئاتر و دختر مجید قناد، مجری و برنامه‌ساز شناخته‌شده تلویزیون می‌گوید در دوران کودکی اگر قرار بود با پدرش به خرید برود طی کردن مسیری که در حالت عادی ۲۰ دقیقه طول می‌کشید، برای آن‌ها یک ساعت و نیم زمان می‌برد. چون مجید قناد با همه بچه‌هایی که به سراغش می‌آمدند می‌گفت و می‌خندید و برای‌شان زمان می‌گذاشت. سمن قناد، بازیگر و کارگردان تئاتر و دختر مجید قناد این روزها با نمایش «تملیخا» روی صحنه کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر است. از او می‌پرسیم اگر ما به عنوان کسانی که کودکی‌شان در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد گذشته است مجید قناد را با برنامه‌هایی چون «فیتیله، جمعه تعطیله» و تکیه‌کلام و حرکت خاص دستش هنگامی که می‌گفت «به برنامه ببینیم» و... به خاطر می‌آوریم او به‌عنوان دختر مجید قناد این هنرمند را چگونه به خاطر می‌آورد، می‌گوید: «آن‌چه برای همیشه در ذهنم مانده است تفکیکی است که او میان زندگی کاری و زندگی خانوادگی‌اش قائل می‌شد و زمانی است که به صورت جداگانه برای هر یک از این‌ها می‌گذاشت.» این بازیگر تئاتر با اشاره به این که «خاطرم هست مثلا اگر قرار بود با هم به خرید برویم مسیری که در حالت عادی ۲۰ دقیقه طول می‌کشید، طی کردنش برای ما یک ساعت و نیم زمان می‌برد»، ادامه می‌دهد: «چرا؟ چون بابا با همه بچه‌هایی که به سراغش می‌آمدند می‌گفت و می‌خندید و عکس می‌گرفت و برای‌شان زمان می‌گذاشت. او این صبر و حوصله را هم برای این بچه‌ها و هم برای ما در خانه، به خرج می‌داد و الان که وارد محیط کار حرفه‌ای شده‌ام می‌فهمم که به‌عنوان مثال وقتی خودم به خانه می‌رسم دلم می‌خواهد به هیچ چیز فکر نکنم و فقط استراحت کنم اما او به خانه که می‌رسید با تمام آن خستگی‌ها، با من و برادرم می‌گفت، می‌خندید، شوخی می‌کرد و... و همان‌قدر که لبخندزدن به بچه‌های خودش برایش مهم بود، لبخندزدن به بچه‌هایی که در بیرون از خانه می‌دید هم برایش اهمیت داشت و درواقع این دو، برایش در یک پایه از اهمیت قرار داشت و همیشه توی جیبش پر از شکلات بود که اگر بچه‌ای را می‌بیند دست خالی از کنارش نگذرد.»

روزنامه رویداد امروز
صفحه ۵

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

خبر

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان:

ایجاد محدودیت برای فعالان هنری قابل قبول نیست

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان با اشاره به اینکه از ابزارهای هنر به نفع جریان انقلاب و مردم استفاده شود، گفت: مرزبندی و ایجاد محدودیت برای فعالان هنری قابل قبول نیست. رضا ثقتی در مراسم تجلیل از عوامل اجرایی سی و سومین جشنواره استانی تئاتر گیلان با اشاره به نقش اثرگذار فعالان فرهنگ و هنر، اظهار کرد: اگر کارگزاران حوزه فرهنگ و هنر پویا و پرتحرک نباشند اصحاب فرهنگ و هنر نیز دچار خمودگی، بی‌انگیزگی، افول و روزمرگی می‌شوند. او با تأکید بر اینکه تئاتر باید به اصل خود یعنی مردم محوری بازگردد، گفت: در این رویکرد تئاتر مردم را از خود می‌داند و نباید محدودیت و چارچوبی میان تئاتر و مردم ایجاد شود. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان با اشاره به اینکه رویکرد جدید در تئاتر به دنبال سیاه نمایی و بی‌انگیزگی مردم نیست، افزود: در رویکرد جدید تئاتر به دنبال تزریق نشاط، همدلی، اعتماد اجتماعی به بدنه جامعه است. او در ادامه با بیان اینکه عدالت محوری و بیان حقایق جامعه در قالب‌های نمایشی از اهداف

اصلی و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای تئاتر مردم محور است، اضافه کرد: ارائه راهکار برای حال مسائل و آسیب‌های جامعه، پیشگیری و ارائه راه‌حل و آسیب‌شناسی از رویکردهای تئاتر مردم محور است. ثقتی با تأکید بر اینکه باید پنجره حوزه فرهنگ و هنر را باز و محدودیت‌های را کنار بگذاریم، تصریح کرد: باید در کنار توجه و احترام به هنرمندان حرفه‌ای و پیشکسوت بسترهای برای حضور همه فعالان حوزه تئاتر اعم از آماتور و حرفه‌ای و پیشکسوت فراهم شود. ثقتی با اشاره به اینکه همه مردم از هر طبقه و با هر سلیقه‌ای باید از هنر استفاده کنند، افزود: فضای فرهنگ و هنر باید باز شود و همه هنرمندان و فعالان فرهنگی این فضا را متعلق به خود بدانند. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان با بیان اینکه متأسفانه هم از نظر محتوا و هم کیفیت و کمیت در بخش‌های هنری دچار مشکل هستیم، گفت: بی‌انگیزگی برای فعالیت در بخش‌های هنری و فرهنگی برای هر جامعه‌ای یک تهدید است. او با تأکید بر جوان‌گرایی و بهره‌گیری از توانمندی و ظرفیت‌های جوانان در بخش‌های مختلف فرهنگی و هنری، اظهار کرد: عدم توجه به جوانان در آینده قطعاً زمینه پیری جمعیت هنرمندان و فعالان فرهنگی استان گیلان را فراهم می‌کند. ثقتی با بیان اینکه هنرمندان و فعالان فرهنگی باید مطالبه گر باشند، گفت: استمرار این روند افق روشنی برای حوزه فرهنگ و هنر استان گیلان ترسیم می‌کند.

روزنامه صبح نو
صفحه ۱۳

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

گفت‌وگوی «صبح‌نو» با «سیدرضا علوی»، کارگردان نمایش «چلچراغ»

بازبینی‌ها سلیقه‌ای است

سمانه استاد

تماشاخانه چلچراغ سوت و کور است، بازیگران و مدیرانش بیکارند تا اینکه فردی وارد می‌شود و تقاضای نمایش اصیل ایرانی می‌کند. این داستانی است که نمایش «چلچراغ» این روزها در تالار محراب روایت می‌کند. کارگردان این کار، «سیدرضا علوی» است که دانش‌آموخته کارشناسی ادبیات نمایشی و دانشجوی کارشناسی ارشد بازیگری است، از سال ۷۸ بالاله‌زار تئاتر را شروع کرده است. او در سال ۸۰ در نمایش «دیوان تئاترال» به کارگردانی «محمود استادمحمد» بازی کرده، سال ۸۱ در نمایش «طلسم گمشده» از مجید افشارایفای نقش کرده و در ادامه با دکتر محمود عزیزی، دکتر قطب‌الدین صادقی، حمیدرضا آذرنگ و بسیاری از بزرگان تئاتر کار کرده است. این هنرمند نمایش «چلچراغ» را ادای دینی به هنرمندان لاله‌زار می‌داند و در گفت‌وگو با «صبح‌نو» از سختگیری و سلیقه‌ای بودن بازبینی نمایش‌ها چنین می‌گوید:

چه شد که تصمیم گرفتید متن نمایشنامه چلچراغ از مرحوم «محمود استادمحمد» را به روی صحنه بیاورید؟

من از شاگردان استادمحمد هستم، از زمانی که دیوان تئاترال را شروع کرد همراهش بودم و در نمایش‌های «دیوان تئاترال» و «تِهرَن» برایش بازی کردم. این نمایشنامه در سال ۸۰ نوشته شده بود و من آن را در نوزدهمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی کار کردم. دلیل رفتن سراغ این نمایشنامه شخصیت سید دلبر، سیاه این نمایش بود. ما سید دلبرهای زیادی را داریم که در خانه نشسته‌اند؛ بازیگرهایی که سال‌هاست دیگر کار نمی‌کنند اما سوال این است که چه اتفاقی افتاده که آن‌ها دیگر کار نمی‌کنند؟ آن‌ها با تئاتر قهر کرده و خانه‌نشین شده‌اند، زیرا خسته‌اند. چقدر باید یک کارگردان به مرکز هنرهای نمایشی برود تا مجوز اجرایش صادر شود؟ گفته می‌شود که اجرای شما منوط به بازبینی است و در بازبینی نیز اتفاقات زیادی می‌افتد. اگر نمایشنامه را همان اول می‌خوانید و قبول می‌کنید دیگر بازبینی معنی ندارد. من تا به حال نمایش‌های زیادی را تمرین کرده‌ام که در بازبینی دچار مشکل شدند. حتی در یکی از کارها به کارگردان گفتند باید نقشی که من بازی می‌کنم حذف شود.

یعنی بازبینی تا حذف شخصیت نیز پیش می‌رود؟

بله، متاسفانه مدیران فرهنگی ما با سلیقه خودشان تصمیم می‌گیرند و بازبینی‌ها کاملا سلیقه‌ای است. هر کسی برحسب سلیقه نکته‌ای را اعمال می‌کند. از زمانی که وارد این حرفه شدم، بزرگ‌ترهای تئاتر به ما می‌گفتند از تئاتر حمایت کنید، من نیز الان می‌گویم از تئاتر حمایت کنید.

این سلیقه‌ای بودن گاهی باعث می‌شود که گروه ندانند چه اتفاقی قرار است بیفتد!

همین طور است. گروه در یک نوع بلاتکلیفی به سر می‌برد. اگر متن یا ایده کارگردان مورد قبول نیست همان اول با آن مخالفت شود تا گروه تمرینات را شروع نکند اما این اتفاق نمی‌افتد. در مملکت ما الان قیمت همه چیز چندین برابر شده است، غیر از دستمزد بازیگران. من الان نمی‌دانم با بازیگرانم چطور صحبت کنم و چه بگویم.

آیا در بازبینی نمایش شما تغییری کرد؟

خیر، این متن چون چندین بار چاپ شده است و ما نیز طبق آن جلو رفتیم، در بازبینی برای نمایش ما اتفاقی نیفتاد.

پس کاملا در این اجرا به متن اصلی وفادار بودید؟

بله، ما طبق متن جلو رفتیم و هیچ تغییری در آن ندادیم.

کمی در مورد تمرینات این نمایش بگویید، تمرینات «چلچراغ» چقدر طول کشید؟

ما در جشنواره نمایش‌های آیینی سنتی دو سال پیش اجرا رفتیم و بعد از آن به کرونا خوردیم و تئاترها تعطیل شدند. به همین خاطر برای اجرای عموم همه بازیگرها به جز بازیگر نقش بلبل، (آقای کوروش رخشنده‌پی) همه تغییر کردند. برای اجرای عموم ما دو ماه تمرین کردیم.

پس می‌توان گفت به نوعی کار را از ابتدا شروع کردید؟

بله. همین طور است.

با توجه به اینکه متنی از نویسنده‌ای شناخته شده را روی صحنه برده‌اید، استقبال از نمایش چطور است؟

متاسفانه ما در شرایطی اجرا رفتیم که دو دهه فاطمیه را داشتیم. با بسیاری از ارگان‌ها برای همکاری صحبت کردیم اما همه گفتند بعد از بیستم دی ماه با ما همکاری می‌کنند که تا آن زمان اجراهای ما تمام شده است. اطلاع‌رسانی خوبی نیز نداشتیم و نمایش آن قدر که باید دیده نشد.

داستان نمایش درباره تماشاخانه چلچراغ است که کم سو شده، می‌توان گفت این قصه برای نمایش چلچراغ نیز اتفاق افتاده است.

متاسفانه همین طور است.

چرا اجراهای شما ۱۵ شب است؟ معمولا نمایش‌های تالار محراب بیش از ۲۰ شب اجرا می‌شوند؟

مجوز اجرای ما از ۲۱ آذر ماه بود.

اما شما از بیست و نهم اجراهای خود را شروع کردید؟

نمایش ما، نمایش شادی است و به دلیل دهه فاطمیه از ما خواسته شد از بیست و هشتم اجرا برویم.

بعد از این نمایش چه کارهای دیگری را از شما خواهیم دید؟

من در حال حاضر دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه نبی اکرم(ص) هستم و قصد دارم بعد از این، نمایشی با دانشجویان همکلاسی روی صحنه ببرم.

روزنامه صبح نو
صفحه ۱۳
تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

خبـــر

معرفی آثار راه‌یافته به جشنواره ملی تئاتر کوتاه کیش

عباس نجاری، دبیر چهارمین جشنواره تئاتر کیش؛ از نهایی شدن حضور ۱۲ نمایش در بخش کافه‌ای و ساحلی این دوره از جشنواره خبر داد.

هیات بازبین چهارمین دوره جشنواره ملی تئاتر کوتاه کیش، پیام عزیزی، لیلی رشیدی و سعید بهنام، ۱۲ نمایش را برای حضور در بخش مسابقه جشنواره معرفی کردند.

عباس نجاری، دبیر جشنواره ملی تئاتر کوتاه کیش در همین زمینه گفت: پس از تماشا و بررسی ۱۲ فیلم نمایش های متقاضی حضور در جشنواره از سراسر کشور در نهایت ۱۳ اثر نمایشی را برای دو بخش کافه و ساحل بدون اولویت انتخاب شدند.

نجاری همچنین ضمن معرفی آقایان دکتر سعید بهنام، پیام عزیزی و سرکار خانم لیلی رشیدی، به عنوان «داوران مرحله انتخاب آثار» چهارمین دوره جشنواره ملی تئاتر کوتاه کیش عنوان کرد: پس از بررسی تمامی آثار در دو بخش کافه و ساحل آثار پذیرفته شده «بدون اولویت» به شرح ذیل معرفی شدند:

- نمایش «تماشای غم انگیز غروب خورشید» به نویسندگی و کارگردانی حسن محمدی فرانی / شاهین شهر
- نمایش «الی» به نویسندگی و کارگردانی سعید حشمتی / تهران
- نمایش «شاه ماهی» به نویسندگی محسن رحمانی و کارگردانی پوریا رضایی / اراک
- نمایش «صد تا صفر» به نویسندگی و کارگردانی ایمان دبیری / تهران
- نمایش «یه حبه مرگ» به نویسندگی و کارگردانی حمید رضا آفاق / سمنان
- نمایش «گلک آب خورده می گرید» به نویسندگی عبدالرسول دریاپیما و کارگردانی حجت الله جعفرپور / جزیره هرمز
- نمایش «مامان کو؟» به نویسندگی و کارگردانی شیرین جروقی / تهران
- نمایش «سکون ماشوه» به نویسندگی و کارگردانی نجمه زارعی / شیراز (رزرو)
- نمایش «بیر دریا سئوگی» به نویسندگی و کارگردانی عباس خلیفه لو / اهر (دعوت دبیرخانه)
- نمایش «دد» به نویسندگی و کارگردانی مهدی ملکی از تهران (راه یافته از جشنواره سراسری تئاتر اتفاق)
- نمایش بازگشت نویسنده و کارگردان «افق ایرجی - مهدی مهرابی» / اراک
- نمایش مهربانو به نویسندگی آرش رضایی و کارگردانی مهدی روزبهانی / ملایر

در پی برگزاری سه دوره پیاپی جشنواره تئاتر کوتاه کیش و استقبال هنرمندان تئاتر کشور از این رویداد، دبیرخانه جشنواره با حمایت سازمان منطقه آزاد کیش چهارمین دوره جشنواره را در دی ماه ۱۴۰۰ با رعایت کامل پروتکل های بهداشتی در چهار بخش (نمایش های کافه‌ای، نمایش های ساحلی، طرح و ایده های اجرایی مکتوب، عکاسی تئاتر) در جزیره کیش برگزار می کند.

این جشنواره با دبیری «عباس نجاری» و قائم مقام عبدالرضا شیبانی در دو فضای کافه و ساحل برگزار می شود.

روزنامه عصر آزادی
صفحه ۴
تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

آژیر شهردار فردیس:

مراسم های فرهنگی چراغ تئاتر و هتر فزدیس را روشن نگه می دارد

البرز،محمدحاتم فشـخامی/ **شـهردار فردیس گفت:ویـژه برنامه عصر شـعر فردیس با عنوان سـردار فاطمی به مناسبت ایام فاطمیه و سالروز شهادت سردار دلها ، شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی با حضور شـاعران برجسـته با رعایت پروتکل های بهداشتی در تالار ایثارگران شهرداری فردیس برگزار شد.**

محمدرضا آژیر عنوان کرد:

عصر شعر فردیس به همت سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری فردیس به صورت مستمر و ماهانه با موضوعات مختلف برگزار می گردد.

(دومین تجربه تأتر فردیس)

شهردار فردیس اظهارداشت:

مراسـم اختتامیه تئاتر قرار ، پس از ده شب اجرای مستمر در تالار ولایت شهر فردیس برگزار شد.

تئاتر قرار همزمان با سـالروز عملیات کربلای ۴ و به مناسبت گرامیداشت مقام شـهدای غواص ؛ با رویکـرد ادامه فعالیت هنرهای نمایشـی و ترویج نمایش‌هایی با اصالت ملی ، مذهبی و آیینی به روی صحنه رفت.

آژیر بیان کرد:با کاهش شـیوع ویروس کرونا ، از سرگیری مجدد فعالیت های هنری باهدف حمایت از هنرمندان شـهر فردیس و تداوم هنر به ویژه هنرهای نمایشی صورت می پذیرد.

شـهردار فردیـس در پایان اضافه کرد: نمایش قرار ، پـس از اجرای تئاتر سیاتش ،دومین تجربه تئاتر شـهر فردیس پس از محدودیت های کرونایی است و امید آن داریم که با رهایی از این ویروس منحوس ، چراغ تئاتر و هنر شهرمان فردیس ، همواره روشن باشد.

روزنامه
مردم سالاری
۹
تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

بازی سعید چنگیزیان در نیمه دوم نمایش «روغن کنجد»

بازی سعید چنگیزیان در نمایش «روغن کنجد» آغاز شد. به گزارش ایسنا، نمایش «روغن کنجد»، از شب گذشته، فصل جدید اجراهای خود را با بازی سعید چنگیزیان، آغاز کرد. نمایش «روغن کنجد»، که با نویسندگی ایمان صدیق و کارگردانی آرمان شهبازی، اجراهای خود را از اولین روز دیماه با بازی مهدی صناعتی در نقش «رضا» آغاز کرده بود، از شب گذشته، با ایفای نقش سعید چنگیزیان به اجراهای خود ادامه داد. بازیگران این نمایش ۶۵ دقیقه‌ای که هر شب ساعت ۲۱:۰۰ در تماشاخانه سپند به روی صحنه می‌رود، عبارت از؛ سعید چنگیزیان، صبا گرگین پور، دلسا کریم زاده، امیر شاه علی، ابوالفضل وزیری، سیدعماد حسینی، پرسا مقدس، دیبا دهقانی و مهدی صناعتی هستند. همچنین از عوامل این نمایش می‌توان به؛ «تهیه کننده: سعید چنگیزیان»، «مجری طرح :هاتف کلاته»، «برنامه ریز: آیدین صمیمی»، «دستیار کارگردان :مارال عبدالحسین پور»، «مدیرصحنه: علی عباسی»، «دستیاران صحنه: فربد خیری و مریم راد»، «طراح نور: رضا خضرایی»، «طراح صحنه: آرین کشیش‌زاده»، «طراح لباس: ستاره دلاویز»، «طراح گریم: وحدت سرچونی»، «مدیر تبلیغات: امیر قالیچی»، «مشاور رسانه: امیر پارسائیان‌مهر»، «طراح پوستر و بروشور: حمید شیرزاد»، «ساخت تیزر :رامین علیزاده»، «عکاس :شهریار اکبریه»، «مدیر اجرایی :میثم اسداللهی» اشاره کرد. خلاصه این نمایش که به قلم ایمان صدیق نوشته شده، بدین گونه است که، یک زوج فرهنگی با پدر پیر خود زندگی می کنند و با توجه به فشارهای صاحبخانه عجله‌ای برای تخلیه خانه ندارند.

روزنامه نسل فردا
صفحه ۵

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

به میزبانی دانشگاه سوره برگزار می‌شود؛

نخستین سمپوزیوم «آینده تئاتر ایران»

دریا وفایی / گروه ایران
daryavafaei2009@gmil.com

نخستین سمپوزیوم «آینده تئاتر ایران» با همکاری مرکز هنرهای نمایشی خانه تئاتر ایران و مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری به مدت دو روز در دانشکده هنر دنشگاه سوره و با همکاری مرکز هنرهای نمایشی خانه تئاتر ایران و مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری برگزار می‌شود. محمدرضا احدی مدیر روابط عمومی دانشگاه سوره در توضیحات بیشتر گفت: چهار نشست برای این سمپوزیوم طراحی شده و جمعی از اساتید، پژوهشگران و هنرمندان حرفه‌ای به طرح دیدگاه‌های خود خواهند پرداخت. این سمپوزیوم در روز سه‌شنبه ۱۴ دی‌ماه از ساعت ۱۴ تا ۲۰ در قالب دو نشست با موضوعات «مدیریت و آموزش توسعه‌گرا در تئاتر» و «زیبایی‌شناسی اجرا و سبک‌های اجرایی نو» و در روز چهارشنبه ۱۵ دی‌ماه، دو نشست با موضوع «درام و نظریه‌های نوین در ادبیات نمایشی» و «مناسبات اقتصادی در آینده تئاتر ایران» برگزار می‌شود. وی اضافه کرد: علاقه‌مندان می‌توانند از طریق لینک https://sibad.soore.ir/v/show/wn۴۰۰۱۴۵۹ نیز وارد جلسات شوند. احدی با بیان اینکه «نخستین سمپوزیوم آینده‌نگری تئاتر ایران، به صورت علمی و تخصصی به بررسی مشکلات این حوزه می‌پردازد» بیان داشت: دانشکده هنر و گروه آموزشی تئاتر سوره، پس از تحولات سال‌های اخیر در دانشگاه، همیشه در پی ارتباط با مراکز حرفه‌ای و سیاست‌گذاران هنر بوده تا از این طریق به طرح چالش‌ها و معضلات مهم آموزش هنر و ارتباط این آموزش با فضای حرفه‌ای بپردازد. از این رو برگزاری نخستین سمپوزیوم «آینده تئاتر ایران»، در راستای اهداف مذکور برنامه‌ریزی شده است. گفتنی است: سعید اسدی، مهرداد رایانی مخصوص، رحمت امینی، کوروش زارعی و اکرم قاسم‌پور، شهرام گیل آبادی، قطب‌الدین صادقی، امیر دژاکام و شکوفه ماسوری، بهزاد آقاجمالی، صادق رشیدی، میترا علوی‌طلب، امیررضا نوری‌پرتو، هاجر سعیدی‌نژاد، داوود نامور، نرگس نراقی، فرزاد معافی‌غفاری، سخنرانان نخستین سمپوزیوم آینده تئاتر ایران هستند.

روزنامه همدلی
صفحه ۷

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

انتشار شماره سیزدهم «نمایش‌شناخت»

همدلی| سیزدهمین شماره فصلنامه «نمایش‌شناخت» منتشر شد. فصلنامه «نمایش‌شناخت» به‌عنوان یکی از معدود نشریات تخصصی حوزه تئاتر با سردبیری نظر احمدی از چهار سال پیش به شکل مرتب منتشر می‌شود. این فصلنامه در سیزدهمین شماره خود در بخش «دیالوگ» که به گفتگو با کارورزان تئاتری اختصاص دارد با یعقوب آژند نویسنده و پژوهشگر حوزه تئاتر گفتگو کرده است. مصاحبه‌ای که توسط نظر احمدی و سارا نوری انجام‌شده و بیشتر بر بنیاد کتاب‌های «نمایش در دوره صفوی» و «نمایش در دوران قاجار» شکل‌گرفته است.

گفتگوی دوم بخش «دیالوگ» را آیین قبادی انجام داده و به سراغ فعال تئاتری و مترجم ادبیات نمایشی لهستان ایوونا نواتسکا رفته است. وی در این مصاحبه، تئاتر لهستان در دوران پساکرونا را به زیر ذره‌بین برده است. از دیگر بخش‌های این شماره نیز می‌توان به پرونده «درام» اشاره کرد. در بخش نخست این پرونده، سعید فرهودی مترجم تئاتر سیاسی، همچون شماره‌های گذشته، سلسله مطالب خود تحت عنوان «درام و درام‌نویسان سیاسی» را پی گرفته و در این فراز ازجمله نمایشنامه‌های «قیصر آمریکا» نوشته برناردشاو و «باغ آلبالو» اثر چخوف را موردبررسی و مداقه قرار داده است. در بخش دیگر این پرونده نیز مازیار اولیایی‌نیا استاد دانشگاه ویرجینیا که از نخستین شماره، همراه با «نمایش‌شناخت» بوده است به تاریخ نمایش در جهان پرداخته و موفقیت یاسمینا رضا در عرصه جهانی نمایش را از نظر گذرانده است. «پژوهش‌های نو» عنوان یکی دیگر از پرونده‌های شماره سیزدهم «نمایش‌شناخت» است.

در این بخش دومان ریاضی دانش‌آموخته تئاتر دانشگاه فلورانس پژوهشی با عنوان «به‌روزرسانی نمایش ایران در دوره قاجار» را به رشته تحریر درآورده و برای نخستین‌بار اسنادی در رابطه با موضوع مذکور را منتشر کرده است.

از دیگر نویسندگانی که در این پرونده آثاری از آن‌ها به انتشار رسیده می‌توان به محمد عارف و عبدالحسین لاله اشاره کرد که پژوهش‌هایی تازه را در عرصه هنرهای نمایشی در اختیار «نمایش‌شناخت» قرار داده‌اند. پرونده دیگری که در این شماره می‌توان به آن اشاره کرد «تئاتر بدون مرز» است.

در این بخش نخست آناهیتا ایزدی دانشجوی دکترای رشته تئاترشناسی از دانشگاه آزاد برلین بخش دوم مقاله خود تحت عنوان «تئاتر نامرئیان» را که قسمت نخست آن در شماره دوازدهم به انتشار رسید، منتشر کرده است. ایزدی در این سلسله مطالب به جریان‌شناسی تئاتر ایرانی در مهاجرت می‌پردازد.

در بخش پایانی این پرونده نیز سارا نوری به ترجمه مطلبی از ریک نولز درباره کمپانی تئاتر «مدرن تایمز» تحت مدیریت سهیل پارسا پرداخته است. «پچواک» یکی دیگر از بخش‌های فصلنامه است که به مطالب ترجمه‌شده اختصاص دارد و در این شماره نیز چندین مطلب متنوع در این بخش گردآمده است، ازجمله مطلبی تخصصی در رابطه با نورپردازی تحت عنوان «نورپردازی بر سطوح هایپربولیک ...» نوشته نیک هات که توسط عاطفه صادقی و حمید کلهر ترجمه‌شده است و همچنین ترجمه‌های دیگری از محمد اوحدی حائری، مسلم آیینی، هادی حبیب‌نژاد، محسن ذهبی و ... «جستار» یکی دیگر از پرونده‌های این شماره است که از مهم‌ترین مطالب آن می‌توان به نوشته فرشته وزیری‌نسب دانش‌آموخته دانشگاه گوته تحت عنوان «خشونت بر صحنه‌های تئاتر و مسئله اخلاق (اتیک)» اشاره کرد.

همچنین از دیگر مطالب این بخش یادداشتی است از منوچهر اکبرلو با تیتر «چه زمان می‌گویی: یک نمایشنامه خوب خواندم؟» آخرین بخش شماره سیزدهم «نمایش‌شناخت» نیز به پرونده «کتاب‌شناخت» اختصاص دارد. در این بخش نقدی از اصغر نصرتی بر یکی از نخستین کتاب‌های تاریخ ادبیات نمایشی در ایران «بنیاد نمایش در ایران» نوشته ابوالقاسم جنتی عطایی به انتشار رسیده است.

همچنین عبدالمحمد دلخواه در یادداشتی به معرفی آخرین ترجمه خود تحت عنوان «در جستجوی انسان ناب» نوشته مسعود دلخواه پرداخته است. شماره سیزدهم «نمایش شناخت» در ۲۶۴ صفحه و با قیمت ۶۰هزار تومان روی پیشخوان مطبوعات در سراسر کشور قرارگرفته است. از دیگر دست‌اندرکاران این مجله نمایشی می‌توان به علی آسترکی جانشین سردبیر، میثم جهانگیری مدیرداخلی، علیرضا لرک مدیر روابط عمومی، مهدی رایگانی مدیرهنری، محمدقائمی صفحه‌آرا، مهدی آزادبخت دبیر عکس و ... اشاره کرد.

روزنامه همدلی
صفحه ۷

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

نگاهی به اقتباس و اجرای مسعود دلخواه از رمان «بیگانه»

بی‌اعتنایی سرخوشانه منجر به فاجعه

علی نامجو| آلبرکامو متفکر معاصر که ماهیت آثار ادبی که از خود به‌جای گذاشته نشان می‌دهد بیش از آنکه خلق رمان، داستان یا نمایشنامه، هدفش باشد به دنبال آن بوده تا در این نوشته‌ها دیدگاه‌های فلسفی خود را مطرح کند، نویسنده‌ای است که در ایران بسیار محبوب است. نوشته‌هایش (خصوصاً رمان‌ها و داستان‌ها) در بین دانشجویان و جوانان طرفداران خودش را دارد، خصوصاً اینکه شخصیت‌هایش سرگشتگی‌ای دارند که معمولا فصل مشترک روزگار جوانی ما است. پرداختن به مسائلی مثل تنهایی، زندگی، مرگ، روزمرگی و... آثار او را به نوشته‌هایی فلسفی تبدیل می‌کند که سعی می‌کنند وضعیت انسان و مسائل اساسی فکری او در گستره هستی را مطرح کنند. همواره شخصیت اصلی آثارش با نوعی معناباختگی دست‌وپنجه نرم می‌کند که این همان مفهومی است که در دوران معاصر بیش‌ازپیش پررنگ شده است. کامو هم در آثار مختلف خود از قبیل افسانه سیزیف، سوءتفاهم و بیگانه به‌طور مشخص در این مورد نوشته و شخصیت‌های داستان یا نمایشنامه حول چنین مفاهیمی درگیر یا سرگردان‌اند. به همین ترتیب مفاهیمی ازلی‌تری مثل مرگ در طاعون یا کالیگولا پررنگ می‌شوند و نهایتاً بازهم معناباختگی است که به‌واسطه مفهومی مثل نیستی گریبانگیر شخصیت‌های این آثار می‌شوند. آثار کامو از همان زمان که در جهان مطرح شد در ایران نیز موردتوجه قرار گرفت و به فارسی ترجمه شد، ازاین‌رو بارها نمایشنامه‌هایش موردتوجه هنرمندان تئاتر قرارگرفته و به اجرا درآمده است و از رمان‌هایش نیز اقتباس‌هایی شده است اما اثری که در این شماره از روزنامه همدلی می‌خواهیم به آن بپردازیم، نمایشی است که برای اولین بار در ایران اجراشده، رمان بیگانه کامو به دراماتورژی و کارگردانی دکتر مسعود دلخواه که در روزهایی که کرونا معنای آشنایی برای مردمان ایران و جهان نداشت، در سالن چهارسوی تئاتر شهر به روی صحنه رفت و مورد استقبال هم قرار گرفت. در ادامه اصغر نوری مترجم، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر درباره این اثر مطلبی نوشته که پیش روی شماست:

در خوانش اول رمان «بیگانه» شاید بپنداریم که دیدگاه راوی من، مورسو، همان دیدگاه نویسنده، آلبرکامو، است و نویسنده تلاش کرده مدلی از خود و نگاهش به دنیا ارائه دهد، درحالی‌که ماجرا درست عکس این است و آلبرکامو در این رمان نشان میدهد که طرز برخورد مورسو با دنیا تا چه اندازه ناقص و خطرناک است و چه بلایی میتواند در پی داشته باشد. در نوشتهی حاضر تلاش میکنم ضمن تبیین این موضوع، به این مسئله بپردازم که اقتباس و اجرای دکتر مسعود دلخواه از رمان «بیگانه» بهرغم نکات مثبت اجرایی، از همین یکپنداری مورسو/کامو و مثبت دیدن تفکر و منش شخصیت اصلی رنج میبرد. مسئله کانونی رمان «بیگانه» رابطه مورسو با عملش، یعنی کشتن مرد عرب است؛ عملی که نه خودش بهدرستی دلیل ارتکاب آن را میداند و نه دادگاهی که او را به مرگ محکوم میکند.

مورسو ناخواسته درگیر مشاجره‌ای شده که هیچ ربطی به او ندارد و هیچ دشمنیای با مرد کشتهشده نداشته است. ازاین‌روست که دادگاه، در فقدان هر انگیزه «روانشناختی» برای ارتکاب جنایت، تلاش میکند با رجوع به زندگی شخصی مورسو تصویر انسانی سنگدل از او ارائه دهد که اساساً برای ارتکاب به قتل دلیل موجهی لازم ندارد: کسی که در مراسم تدفین مادرش گریه نمیکند و فردای آن روز با زنی طرح دوستی می‌ریزد، با او به شنا و تماشای فیلمی کمدی میرود و شب را با او می‌گذراند، مستعد انجام هر جنایتی است و برای جامعه انسانهای سالم خطرناک محسوب میشود. کامو با طنزی که در صحبتهای مورسو با دادستان، رئیس دادگاه، وکیل مدافع و اظهارات شهود به کار میبرد، پوچی این تفسیرها را به‌خوبی نشان میدهد و خواننده را در جایگاه قاضی اصلی مینشاند تا راجع به عمل مورسو و بیگناهی یا گناهکار بودنش قضاوت کند. دادگاه گرچه به گناهکاری مورسو رأی میدهد و او را به مرگ محکوم میکند اما رمان با تقاضای فرجام وکیل مدافع به آخر میرسد و ما هنوز با محکوم زندهای طرف هستیم که امید رهایی از مرگ برای او وجود دارد. درنهایت با این سؤال مواجه می‌شویم که کدام ویژگی مورسو برای جامعه خطرناک است، اینکه در مراسم تدفین مادرش گریه نکرده و تقریباً بیدلیل مردی را کشته است، یا اینکه دروغ نمیگوید و چیزی بیشتر از آنچه هست به زبان نمیآورد؟ کاری که همه انسانها هرروز انجام میدهند تا زندگی را سادهتر کنند؛ اما مورسو نمیخواهد زندگی را سادهتر کند. «دروغ نگفتن» بارزترین ویژگی این شخصیت «بیاعتنا»ست که میتواند از او یک اسطوره بسازد و اگر او را تصویری نمادین از نویسنده بپنداریم، مورسو تبدیل میشود به الگویی برای یک روشنفکر ایده آل که به عادتها و قراردادهای تهی و بی‌معنی جامعه تن نمیدهد؛ همان دامی که اقتباس و اجرای مسعود دلخواه در آن میافتد. «بیگانه» مسعود دلخواه هم‌زمان با شروع محاکمه مورسو آغاز میشود و با محکومیت او به مرگ به پایان میرسد. همه اتفاقهای قبلی، به‌صورت فلاش‌بک و با تبدیل خلاقانه صحنه دادگاه به مکانهای مختلف روایت میشوند. این تصمیم گرچه به لحاظ دراماتیک خوب عمل میکند اما اجرا را از نشان دادن خط سیر مورسو محروم می‌کند؛ خط سیری که با گفتن جملههای بیتفاوت «امروز مامان مرد. شاید هم دیروز. نمیدانم.» شروع میشود و با آرزوی اینکه «در روز اعدام من تماشاچیها زیاد باشند و با فریادهای سراپا نفرت از من استقبال کنند.» به آخر میرسد. گوینده این جمله آخر همان مورسوی اول رمان نیست؛ اما در اجرای مسعود دلخواه، مورسو از اول تا آخر همانی که هست باقی میماند؛ شخصیتی بیتفاوت و در بسیاری از لحظات، خسته و بی‌حوصله که تنها کنشش سردرگمی است و حتی در بازی لحظههای قبل از ارتکاب به جنایت (لحظههایی که با ماری و دوستش به خوشی می‌گذراند) هم از نشان دادن آن لذت بیواسطهای که مورسو در زندگی ساده و کمحرفش تجربه می‌کند، عاجز است. پس تماشاگر در این اجرا قرار است با چه چیز این شخصیت همزادپنداری کند و جذبش شود. جوابی نمیماند جز همان تصویر اسطورهای و جعلی که اجرا میخواهد از مورسو بسازد: همه دروغ میگویند جز او. همه میتوانند به زنی که نسبت به دوست داشتن او مطمئن نیستند اما از گذران زندگی با او لذت میبرند بگویند عاشقش هستند جز مورسو. همه میتوانند در خاک‌سپاری مادرشان به ناراحتی و گریه تظاهر کنند جز او؛ اما سؤال اینجاست که چرا آدم باید در مراسم تدفین مادرش آنقدر ناراحت نباشد که گریهاش بگیرد؟ چرا یک فرد نمیتواند کس دیگری را واقعاً دوست داشته باشد؟ چرا یک مرد باید آنقدر منفعل و بیتصمیم باشد که به تقاضای ازدواج زنی فقط به این دلیل جواب مثبت بدهد که او اینطور میخواهد؟ یا در کار کثیف یک همسایه شرکت کند که از دختری سوءاستفاده کرده و حالا برادر آن دختر درصدد گرفتن انتقام است؟ کامو در بخش اول «بیگانه» با زبانی بی‌بدیل و اتفاقهایی روزمره و به‌دوراز هر پیچیدگی، نوعی «بیاعتنایی سرخوشانه» را در مورسو به تصویر میکشد که ناگزیر به فاجعه منجر میشود. نویسنده نه‌تنها نمیخواهد از مورسو الگویی مثبت در برابر جامعه فروفته در دروغ و عادت (گرچه این تصویر از جامعه هم ارائه میشود) به دست دهد، بلکه به ما و خود مورسو خطر چنین طرز برخوردی با جهان را گوشزد میکند. اگر از ابتدای رمان تا لحظه کشیدن ماشه و کشته شدن مرد عرب را خوب درک کنیم، قتل آن مرد به دلیل «تابش شدید آفتاب» کاملاً قابل‌درک و منطقی است. کسی که در بیاعتنایی کامل نسبت به دنیای پیرامونش زندگی میکند و دست زدن به هر عمل خوب و بدی برایش علی‌السویه است (به شرطی که واقعا دلش بخواهد و تظاهر به آن نکند) می‌تواند به خاطر تابش آفتاب هم کسی را بکشد. بعد از حادث شدن این عمل، مورسو و دادگاه به یک اندازه گیج شدهاند و دنبال علت آن میگردند اما ما (خواننده رمان) دلیل عمل را میدانیم و دغدغه دیگری داریم: مورسو گناهکار است یا بیگناه. علت یکی از ضعفهای اساسی اقتباس و اجرای مسعود دلخواه در همین نکته نهفته است: ما در این اجرا، جای قاضی اصلی نمینشینیم، بلکه تبدیل میشویم به هیات‌منصفه همان دادگاه مسخره داستان که وقتی دلیل موجهی برای ارتکاب جنایت پیدا نمیکند، به زندگی شخصی مورسو رو میآورد و دلایل مضحکی مثل گریه نکردن در مراسم تدفین مادر و شنا و سینما رفتن را دلیل جنایت میداند. در این اجرا، خبری از آن برتری مخاطب نسبت به شخصیت‌های داستان نیست که منجر به کشف معنایی پنهان شود؛ معنایی که شخصیتها تا انتها از درک آن عاجزند، حتی خود مورسو که سر آخر از فکر کردن به دلیل عملش دست میکشد و همه نیروهایش را جمع میکند برای مواجه با وحشت مرگ. در اجرای مسعود دلخواه، از تحول مورسو هم نشانی نیست. مورسو، مردی که بیتصمیمیاش او را به آخرین تن دادن به هر چه پیش آید سوق داده، بلافاصله پس از شلیک درمی‌یابد که چیزی به طرز چارهناپذیری خراب‌شده است، اما دقیقاً نمیداند چه چیز. در طول دادگاه هیچوقت ادعای بیگناهی نمیکند اما اظهار پشیمانی هم نمیکند، بیشتر اعصابش خرد است تا پشیمان. کامو با ظرافت از دادگاه، بالماسکهای میسازد که در آن آدمکهایی در هیات رئیس دادگاه، دادستان و وکیل مدافع سعی میکنند با ارائه تفاسیر مضحکی از گناه، پشیمانی و کیفر روی مورسو تأثیر بگذارند؛ اما او به هیچ‌کدام از این استدلالها تن نمیدهد، حتی دعوت کشیش برای بخشیده شدن را هم رد میکند. چشم مورسو به بعد تازه‌ای از زندگی گشوده میشود که قبلاً از آن بیخبر بود. حالا او میتواند درک کند که چرا مادرش در روزهای آخر عمرش دنبال شادی کوچک رابطه با پیرمردی همسن خود بود. «مورسو سرانجام درمی‌یابد که هستی شادی است.» بیاعتنایی او نسبت به جهان، به عشقی آگاهانه بدل میشود و تسلیم و رضای منفعلانهاش در برابر ستمی که بر انسانها میرود، جای خود را به طغیانی پرشور علیه مرگ میدهد. بهرغم تلاش صادقانه دکتر مسعود دلخواه و گروه خلاقش، این معنا را در اقتباس و اجرای «بیگانه» نمیبینیم.

* پینوشت: در نوشتن مطلب حاضر از کتاب «آلبرکامو» نوشته ژرمن بره، ترجمه خشایار دیهیمی، نشر ماهی (۱۳۸۳) استفاده‌شده‌است.

روزنامه همشهری
۱۶
تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

گفت‌وگو با علی شمس، کارگردان نمایش «احتمالات»

تاریخ یک امر به‌شدت نسبی است

نمایش «احتمالات» آخرین ساخته علی شمس در سمت کارگردان بوده که هر شب ساعت ۱۹:۳۰ در سالن چهارسو میزبان مخاطبان بسیاری است. احتمالات، اثری پست‌مدرن در راستای کارهای قبلی این کارگردان است و به موضوع کتاب‌سوزی در تاریخ ایران می‌پردازد. این اثر با استفاده از نماد و نشانه‌های مختلف تلاش دارد تا داستان خود را از سالن اجرا بیرون برده و به ذهن مخاطبان راه پیدا کند. عزالدین توفیق، امیر باباشهابی، آرش اشاداد، محمدامین پازوکی، دانیال خیری‌خواه، نسرین درخشان‌زاده، فرزین محدث، بهاره افشاری و افسانه کمالی بازیگرانی هستند که در این اثر به ایفای نقش پرداختند. به بهانه اجرای این نمایش در سالن چهارسو مجموعه تئاتر شهر، پیرامون موضوعات مطرح‌شده در آن با علی شمس به گفت‌وگو پرداختیم.

احتمالات در یک کتابخانه آغاز شده و ما روایتی از یک کتاب را می‌بینیم؛ کتاب «احتمالات» علی شمس. آیا شمس خودش را یک قربانی می‌داند یا اینکه فکر می‌کند در آینده قرار است قربانی شود؟

پاسخ به این سؤال خیلی سخت است. خودم را یک قربانی می‌دانم ولی این اتفاق بیشتر یک شوخی پست‌مدرنیستی به منزله ابراز نظریه مولف در متن است؛ اینکه من بخشی از خودم را در متن بیاورم و سویه‌ای از خودم را در روایت به کار بگیرم که تو‌امان که در حال روایت هستم، روایت هم بشوم. این به منزله یکی شدن راوی و روایت است و با اینکه کسی اتوبیوگرافی خودش را بنویسد منفاوت است. کانسپت کتابخانه به منزله یک امر خیلی مهم که سال‌هاست ذهن من را مشغول کرده انتخاب شده. به این معنا که این کشور، در دوران باستان و بعد از آن، کشور پردانشگاهی بوده و مدام تحت هر حمله‌ای یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن که مورد غارت و تخریب واقع شده کتابخانه‌های آن است و ما هنوز نتوانستیم در این مملکت یک کتابخانه را از زیر خاک بیرون بکشیم. این کانسپت کلی بود که من را با فضای کتابخانه مواجه می‌کند. حال این کتابخانه می‌تواند کتابخانه ملی باشد، یا کتابخانه‌ای کوچک در بخشی کوچک و در دهستانی کوچک‌تر از این مملکت.

شاید بتوان چکیده نمایش احتمالات را در صحنه مواجهه کتابدار و کتاب‌سوز خلاصه کنیم: صحنه‌ای که روایتی از مواجهه این دو شخصیت در طول تاریخ با یکدیگر بوده و گذشته را به حال متصل می‌کند. با پیش فرض دیالوگ‌هایی که در آن صحنه خاص می‌شنویم، می‌توان اینطور نتیجه گرفت که دیگر اندیشه تازه‌ای اجازه زایش ندارد؟

این حرف که این صحنه چکیده نمایش است را قبول ندارم. البته به تفسیر هرمونتیکی مخاطب و منتقد کاری ندارم اما به‌نظرم چون احتمالات در یک فضای پست‌مدرنیستی نوشته شده، یک اجرا و متن متکثر است. بنابراین می‌توان همپوشانی تاویلی برای آن قائل شد ولی نمی‌توان آن را خلاصه کرد؛ مانند یک پره آکاردئون می‌ماند که به همان میزانی که گشاد می‌شود، می‌تواند تنگ هم بشود. به این ترتیب حکم اول سؤال شما را قبول ندارم ولی در مورد این بخش پرسش که می‌گویید زایش تازه‌ای وجود ندارد، یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت. در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که اگر بخواهیم به آفرینش چیزی بدیع قائل باشیم، یعنی خلق چیزی از نو، خب به اندازه کافی آزموده شده است. اکنون پلتفرم‌های جدیدی اضافه شده و به هر حال ابزاری آمده که ما به‌واسطه آن بتوانیم به لحاظ تکنیکال، روباتیک و... تصویری بدیع از یک اثر هنری نشان دهیم. منتهای مراتب حرف من این است که ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که در کلاژ هنرمندانه و ترکیب چیزهاست که می‌توانیم به یک بدعت برسیم، نه در خلق از نطفه چیزی از پیش نبوده. بنابراین اصولا در هر مدیومی که کار می‌کنم، قائل به بازچینش پدیده‌ها هستم تا خلق پدیده‌ای از قبل نبوده.

ما در نمایش، شخصیتی داریم با عنوان لغتنامه یا صاحب‌کلمه که در عین حال کتاب‌سوز هم هست. آیا استفاده از لغتنامه‌ای که کتاب‌سوز است، می‌تواند تمثیلی برای نمایش هم باشد؟

می‌شود از آن چنین برداشتی هم کرد.

از این دید می‌گوییم در آن صحنه خاص اجازه زایش و اندیشه جدیدی وجود ندارد که شخصیت لغتنامه شما، خود را صاحب‌کلمه معرفی کرده و صریحا به این موضوع اشاره می‌کند که هیچ لغتنامه تازه‌ای که لغتش از من بیشتر باشد اجازه زایش و پیدایش ندارد؟

مگر در تاریخ کم از این چیزها داشتیم؟ این همانی اساطیر نمونه‌هایی از آن است؛ مانند داستان کورش و آستیاگ که همه خواب می‌بینند که چنین اتفاقی می‌افتد یا در دوره بین‌النهرین مثل داستان سارگون که خواب می‌بینند که کسی می‌آید و تاج و تخت را از بین می‌برد. مگر کم از این موارد داشتیم؟ به لحاظ فرم و اسطوره همین کار را انجام می‌دهد. منتهای مراتب در این نمایش با ساحت کتاب مواجه هستیم. مگر در شوروی غیر از این بود که بسیاری از کتاب‌ها اجازه عرضه نداشتند. مگر بولگاکف و اثر شاهکارش «مرشد و مارگاریتا» ۶۰، ۵۰ سال خاک نخورد؟ مگر اساسا توصیه و تأکید روی رئالیسم سوسیالیستی نبود؟ مگر مایرهولد کشته نشد؟

جدا از این مباحث که مطرح کردید، در نمایش روی این نکته تأکید می‌شود که دیگر اندیشه‌ای نیست؛ به گونه‌ای که انگار امیدی هم وجود ندارد؟

آن را نمی‌دانم و به تاویل شما به عنوان مخاطب برمی‌گردد. به شخصه معتقدم «نیست امید صلاحی ز فساد حافظ، چون که تقدیر چنین بود، چه تقدیر کنم؟» من می‌دانم چه می‌گذرد اما برون‌رفت از آن را بلد نیستم. تنها می‌توانم شرایط را درک کنم.

در این نمایش صحنه‌هایی از تاریخ نشان داده شده که در آنها شخصیت‌های تاریخی به‌صورتی پارودی‌گونه وارونه آن چیزی که می‌دانیم نمایش داده می‌شوند. در مقابل، شخصیت لغتنامه‌ای را داریم که همه تولید اندیشه موجود را زیر نظر دارد و اجازه چیزی فراتر از خود را نمی‌دهد. آیا با این پیش‌فرض‌ها می‌توان اینطور نتیجه گرفت که به اندیشه، لغتنامه و کتب تاریخی موجود نمی‌توان اطمینان کرد؟

حتما نمی‌شود اطمینان کرد. برای مثال به کشور آذربایجان بروید و با دانش‌آموزانی که در باکو درس می‌خوانند، صحبت کنید و بگویید شما تحت یک قرارداد در دوره فاجار از ایران جدا شدید. اصلا باور نمی‌کنند. فکر می‌کنند که شما دیوانه‌اید و جرت و پرت می‌گویید. تاریخ یک امر به‌شدت نسبی است که باور آن به حجم ارتزاق فکری که در طول بازه‌ای زمانی به آن فرد تحمیل شده، بستگی دارد.

به همین خاطر اساسا به تاریخ به همان اندازه که به‌عنوان یک امر متقن نگاه می‌شود، باید به‌عنوان یک امر متزلزل و سرشار از دروغ نیز نگاه کرد. ریشه وقایع، همنشینی پدیده‌ها در کنار هم و چیزهایی از این دست سرشار از نقاط و نکات هستند. به همین خاطر احساس می‌کنم تاریخ و تعیین تاریخی به همان اندازه که جعلیاتی تاریخی را می‌توانیم برایش متصور بشویم، با یکدیگر همپوشانی دارد. روی همین دلیل به همان اندازه که می‌توان به یک تاریخ فکت آورد، به همان اندازه می‌توان در آن تشکیک کرد.

به‌عنوان یک نویسنده و کارگردان تئاتر، معتقدید تاریخ را نمی‌توان قطعی دانست؟!

حتما همینطور است. ما با یک سری مکتوبات و پدیده‌هایی مواجهیم که به‌دست ما رسیده و وقایعی را گزارش می‌کند. کشور ما از حیث تاریخ کم ندارد و دست بر قضا بسیاری از این تواریخ مغلوط است. ما تاریخ‌های کمی مانند تاریخ واقدی، طبری و بیهقی داریم. تواریخ معدودی داریم که گزارش دقیقی از پدیده‌ها می‌دهند، یعنی منبع روایت و تشکیک آنها و اصل و فرعشان معلوم است. به همین خاطر می‌خواهم بگویم در یک سرزمین تاریخی که سرشار از روایت‌های دوگانه نسبت به یک واقعه است، تنها کاری که می‌شود کرد این است که مخاطب ببیند به کدام یک از این روایات نزدیک‌تر است که آن را قبول کند. به شخصه حیثیتی برای تاریخ و اسطوره قائل نیستم. به‌نظرم سرشار و فربه از پدیده‌های جعلی هستند که خودشان را در یک امر واقع بازنمایی می‌کنند و به ما می‌قبولانند که آنها را باور کنیم.

نمایش احتمالات پر از نماد و نشانه‌هایی است که شاید بتوان گفت برای بخش عمده‌ای از مخاطبان قابل فهم نباشد. مخاطب هدف شما در این اثر چه گروهی را شامل می‌شود؟

از تئاتر اولی که کار کردم، هیچ‌وقت آن را ساده ندیدم و دنبال یک متن ساده نرفتم، هر وقت می‌نویسم، به‌نظرم متن باید سرشار از بطن باشد؛ یعنی هم در تکنیک‌های زبانی و هم در حرفی که می‌خواهد بزند. به همین خاطر است که فکر می‌کنم آدمی که به سالن می‌آید و تماشاگر هر تئاتری از من است، باید با خود پیش‌داشت‌های ذهنی متعددی را حمل کند که ارجاعات بیرون از متن و اجرای من را بلافاصله بتواند مونتاژ کند. مانند یک زوج عاشق که با یکدیگر کلید و قفلی دارند؛ این به یک دیالکتیکی منجر می‌شود که به پیش‌داشت‌های ذهنی مخاطب برمی‌گردد. اگر مخاطب فاقد این پیش‌داشت‌های ذهنی باشد، قاعدتا می‌تواند از یک رویه سطحی اجرا لذت ببرد. البته در بعضی از کارها مانند نمایش «وقتی خروس غلط می‌خواند» یا «قلعه انسانات» آن لذت را هم نمی‌تواند ببرد. عموما معتقد به یک متن و با یک اجرای عمیق هستم. عمیق به معنی کندوکاو زبانی، معنایی و یک ترکیب‌بندی بدیع قائم به ذات خود.

روزنامه همشهری
۱۶
تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

گفت‌وگو با بهاره افشاری، بازیگر نقش آغامحمدخان قاجار در نمایش «احتمالات»

تئاتر به نسبت تصویر هنر اصیل‌تری است

عکس: رضا معطر یان

حامد قریب
روزنامه‌نگار

بهاره افشاری، از بازیگران سینما و تلویزیون است که چند سال اخیر تلاش کرده اســت تا مسیر کاری خود را تغییر دهد. کارگردانی مستند «سریک» آخرین فعالیت جدی او در سینما به شمار می‌آید. افشاری از سال ۹۲ حضور در تئاتر را نیز تجربه کرد و نمایش «احتمالات» چندمین کاری است که به‌عنوان بازیگر در تئاتر حضور دارد. این بازیگر در نمایش احتمالات ایفاگر نقش آغامحمدخان قاجار است و وجه‌های متفاوت از این شــخصیت تاریخی به نمایش می‌گذارد. به بهانه اجرای نمایش احتمالات در سالن چهارسوی مجموعه تئاترشهر، درباره تغییر مسیری که بهاره افشاری در روند کاری خود سپری کرده و چالش‌های بازی در این نمایش با او به گفت‌وگو پرداخته‌ایم.

فعالیت حرفه‌ای شــما از کار با محمد شیروانی آغاز شد و با بازی در سریال‌های تلویزیونی ادامه داشــت و به تجربه کارگردانی در سینمای مستند می‌رسد. اکنون نیز چندمین نمایشی است که به‌عنوان بازیگر در تئاتر حضور پیدا کرده‌اید. درباره مسیر طی شده خود در این سال‌ها، توضیح می‌دهید؟

از ۱۵ سالگی تئاتر خواندم. یعنی خاســتگاه اولم و جایی که همیشــه علاقه‌مند بودم بیشــتر از مدیوم‌های دیگر در آن دیده شوم، تئاتر بوده است. به همین دلیل مدرک دیپلم من تئاتر است. شاید ندانید ولی من در ۱۵ سالگی نمایش «کلفت‌ها» اثر ژان ژنه را به اجرا بردم و از همان زمان به تئاتر علاقه‌مند بودم. ولی وقتی که درگیر کار تصویر شدم، دیگر هیچ‌وقت این فرصت پیش نیامد که خیلی خوب و آنطور که دوست دارم در تئاتر کار کنم. آن سال‌هایی که کار تصویر انجام می‌دادم، تئاتر این اپهت و قدرت کنونی را نداشت و توسط مخاطبان زیادی دیده نمی‌شد. به همین دلیل شاید خیلی بودن در آن ارزش نبود. ولی به مرور و طی یک دهه اخیر مخاطبان بسیاری به سمت آن جذب شدند. در واقع متوجه شدند که تئاتر به نسبت تصویر، هنر اصیل‌تر و درست‌تری است. برای من هم همین اتفاق افتاد. به‌صورتی که در این سال‌ها مرتب سعی کردم تجربه کنم و به همان جایی که از اول دوست داشتم بیایم. یک‌سری تجربه هم کردم که دو مورد آنها کاملا ناموفق بود و من را از این فرم زده کرد. به‌تازگی هم یک تجربه دیگر داشتم که استقبال خیلی خوب از آن، آن اتفاقی که من دلم می‌خواست به‌عنوان بازیگر برایم ایجاد شــود، رخ نداد. اما اکنون از تجربه نمایش احتمالات رضایت دارم.

حضور در نمایــش احتمالات چگونه اتفاق افتاد؟

از ابتدا نمی‌دانستم که قرار است تا این اندازه متفاوت ظاهر شویم. در واقع ۳سال پیش که تازه همکاری من و علی شمس در مستند سریک به پایان رسید، به من پیشنهاد بازی در نمایش را داد؛ گفتم چراکه نه. در واقع اینطور فکر کردم که دوباره با هم یک کار دیگر را تجربه می‌کنیم. ولی از زمانی که تمرین‌ها شروع شد، اتفاق دیگری رخ داد. به‌نظرم کارگردان توانسته یک اتفاق نامهم را برای شما مهم کند. به‌صورتی که اینقدر آن چیز برای شما مهم می‌شود که دیگر هیچ‌چیز در جهان را به اندازه آن کاری که به‌عنوان بازیگر در حال انجامش هستید نمی‌بینید. شاید هم در زمان و مکان درست به من برخورد کرده و من پــس از انگیزه برای انجام کاری بودم که با همه کارهای زندگی‌ام متفاوت باشد.

پروســه تمرین‌ها چطور بود؟ با چه چالش‌هایی مواجه بودید؟

تمرین‌های این نمایش مــرا تبدیل به موجودی کرد که بتوانم یک ســال کار تصویر را به‌طور کامل کنار بگذارم. شاید کارگردان نمایش فکر کند که لطف کرده‌ام ولی در واقع با این کار مانند یک دانشگاه برخورد کردم. فکر کردم که جایی رفته‌ام و در حال خواندن درسی هستم تا چیزهای جدیدی را در بازیگری به‌خودم اضافه کنم. در نهایت هم قرار است با یک شکل و قواره دیگری شروع کنم.

کارگردان‌هــای تئاتر در مقایســه با سینما افراد سختگیرتری هستند. آیا این ســختگیری از سوی کارگردان در همکاری با شما هم اتفاق افتاد؟

اگر زمانی که به‌خاطر کرونا و نبودن کارگردان در ایران را حساب نکنیم، به‌طور مستمر یک سال و چندماهی را برای این نمایش تمرین کردیم. مــن در تمام این مدت تازه چند روز پیش بــه کارگردان گلایه کردم و گفتم که حداقل فشــار را از روی من تنها بردار. البته متوجهم، به‌دلیل اینکه شاید من از تصویر آمده بودم و در کارهایی حضور داشتم که با سلیقه او جور نبود، مرتب ســعی می‌کرد که من را وارد آن جهان کند و بگوید که هرکاری که تــا الان انجام دادی را فراموش کن، چون این کار متفاوت از آنهاســت. واقعا هم این اتفاق افتاد.

آیا بازیگری در تئاتر را ادامه می‌دهید؟ می‌توان انتظار داشت که به سمت کارگردانی تئاتر هم گرایش پیدا کنید؟

خیلی قطعی می‌گویم که هرگــز کارگردانی تئاتر را تجربه نخواهم کرد. به این خاطر که هرقدر شــما در فیلمســازی احتیاج به علم دارید، در تئاتر باید آن را ضربدر میلیون کنید. البته اگــر بخواهید یک کار استاندارد بیرون دهید. تجربه بازیگری تئاتر را حتما انجام خواهم داد. شاید دلم بخواهد که سالی یک کار با همین قد و قواره و به همین شکل متفاوت داشته باشم ولی اتفاقی در احتمالات برایم رقم خورده که موجب شده تا سخت‌گیرتر به ماجرا نگاه کنم. در واقع اگر قرار باشد که برای یک نقش معمولی این میزان زمانی که برای این نمایش گذاشتم را بگذارم، شاید ترجیح بدهم این وقت را در تصویر خرج کنم. برای اینکه امروز تئاتر برایم خیلی جای مهم‌تر و مقدس‌تری از تصویر است. باتوجه به این حجم از زجری که در این یک سال بر من و گروه گذشــت، فکر می‌کنم تمام گروه باید راجع به بازیگری در این کار صحبت کنند.

تقریبا همه بازیگــران در این اثر دو، ســه نقش بازی کردند. نحوه هدایت کارگردان و مواجهه‌اش با شما و بازیگران دیگر به چه صورت بود؟

یکی از دوستانم در روزهای ابتدایی شروع اجرا، نمایش را دید و بعد گفت که باورم نمی‌شود با اینکه نسبت به ادبیات اشراف دارم، بسیاری از بخش‌های نمایش را متوجه نشدم و باید دوباره ببینم تا تازه متن را متوجه شوم. به او گفتم اینکه چیزی نیســت، دوماه و نیم طول کشــید تا ما بتوانیم از روی متن کامل و بدون تیق بخوانیم. در ایــن نمایش، درد را تبدیل به کلمه کرده و بــه خورد بازیگرش داده است. بنابراین شــما وقتی متوجه متن می‌شوید، با همه وجود خود آن را روی صحنه می‌آورید. به همین دلیل اســت که بعد از اجرا مخاطب می‌پرسد که چطور بازیگر با این متن سخت که پر از کلمات عجیب و غریب است کنار آمده و حتی یک تیق نمی‌زند؟ دلیل این اتفاق همان یک ســال زندگی اســت که ما در تمرین‌های این اثر داشتیم.

در صحنه‌ای که در ابتدای آن به‌احتمال جعل تاریخ اشاره شده است، ایفاگر نقش آغامحمدخان قاجار هستید و تصویری متفــاوت از آن چیزی که ما نسبت به این شخصیت می‌دانیم، ارائه می‌کنید. تا چه اندازه نیاز بود که شما به‌عنوان بازیگر شخصیت آغامحمدخان را بشناسید؟

روز اول اصلا فکر نمی‌کردم که قرار اســت جز نقش آغا محمدخان، ۲نقش دیگر را هــم در نمایش بازی کنم. حتی در اوایل تمرین هم تمرکزم تنها روی نقش آغامحمدخان بود. اما از یک جایی به بعد ۲ نقش دیگر را هم شروع کردیم. شخصا خیلی دانش و اشرافی به تاریخ ندارم. چراکه تاریخ جز علاقه‌مندی‌هایم نیست. اما در مورد شــخص آغامحمدخان، خیلی سال پیش کتاب خواجه تاجدار را خوانده بودم و برای این نمایش تصمیم گرفتم آن را دوباره مرور کنم. ولی اطلاعات کلی که وجود داشت این بود که قرار بود چیزی را بازی کنیم که دقیقا نقطه مقابل آغامحمدخان در تاریخ است. در نتیجه اگر اطلاعات تاریخی هم درباره آغامحمدخان پیدا می‌کردم، در این کار خاص بــه دردم نمی‌خورد و کمکی به مــن نمی‌کرد. بیشــتر اطلاعاتی بود که کارگردان باید به من مــی‌داد. در واقع فرم اجرای من برای کارگردان مهم‌تر از شخصیت بود.

شــکل پارودی که ما از این شخصیت می‌بینیم، چطور شکل گرفت؟

در روزهای ابتدایی تمرین، قرار بود هرکس به‌صورت جداگانه مهم‌ترین نقش خــود را اتود کند. من وقتی برای شــخصیت آغامحمدخان به صحنه آمدم، هیچ کاری برای ارائه نداشــتم. نه بدن، نه بیان و نه حتی پیشــنهاد اینکه چه کاری باید برای این نقش انجام دهیم. پروسه اینکه من به بدن و بیان یک بازیگر تئاتر برسم، یک بازه زمانی ۹ ماهه بود. در واقع یک روز در تمرین‌ها به‌خودم آمدم و به فرزین محدث گفتم که من کی این نقش را ســاختم؟ یک روز از خواب بیدار شدم و فکر کردم که ما کی این نمایش را ساختیم؟ از اشاره انگشت‌های دســت تا اینکه صدا از کجا بیاید و چطور گفته شــود؛ از بالا و پایین تن صدا تا چگونگی رقص کلمات که آموختم.

دوری شما از ســینما به‌دلیل حواشی امروز آن است؟ بعضا دیدیم به‌خاطر ورود پول‌های مشــکوک از طریق آدم‌ها و ارگان‌های خاص به فیلم‌ها، پای بازیگران نیز به وسط کشیده شده و آنها هم مورد مواخذه قرار گرفتند؟

خوشحالم که این ماجرا درباره من مشهود است. به این خاطر که آدم وقتی خودش درگیر ماجرایی می‌شود، فکر می‌کند که شاید بقیه از بیرون متوجه آن نیستند و نمی‌دانند که شما چقدر باسختی در حال تغییر مسیر خود هستید. ممکن است که در این چند وقت کارهایی به من پیشنهاد شده باشد که به دلایلی علاقه‌مندی شخصی‌ام نبوده که در آنها بازی کنم. ولی واقعیت اینکه خیلی به حواشی موجود فکر نمی‌کنم. به‌عنوان مثال اگر سرمایه‌گذاری با پولی به‌اصطلاح کثیف به پروژه‌ای می‌آید، من به‌عنوان بازیگر مسئول آن نیستم. در این ماجرا شاید کارگردان خیلی بیشتر تأثیرگذار باشد. به این خاطر که شاید من زمانی متوجه موضوع شوم که کار بیرون آمده و پخش شده است. روند کار ما به‌صورتی نیست که من به دفتری بروم و بگویم که خب اینقدر دستمزد می‌گیرم ولی ببخشید شما شغل‌تان چیست و این پول را از کجا آورده‌اید؟

[عکس همشهری / حامد خورشیدی]

۵

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

خوشحالم تماشاگرم دنبال دیدن سلبریتی نیست

پریسا نوروزی که این روزها نمایش «بخوابم با روایت شب پنجره‌ای» را روی صحنه می‌برد، با ابراز خوشنودی از استقبال تماشاگران از این اثر نمایشی می‌گوید: خوشحالم تماشاگرم برای دیدن تئاتر آمده و نه سلبریتی. این کارگردان جوان که نمایش خود را در تالار مولوی روی صحنه می‌برد، در گفتگویی از سختی اجرای مونولوگ می‌گوید و ابراز خوشنودی می‌کند که طی یک اتفاق، نمایش خود را در تالار مولوی روی صحنه برده است. نوروزی که اجرای آثار تک‌گویی را کار سختی می‌داند، در این باره توضیح می‌دهد: اجرای مونولوگ هم برای کارگردان سخت است و هم بازیگر و هم از نظر جذب مخاطب دشواری بیشتری دارد. اما از آغاز ایده من برای مونولوگ بود. طرح کوتاهی داشتم که مناسب این گونه نمایشی بود تا اینکه خبر برگزاری جشنواره دانشجویی مونولوگ افرا را دیدم و فکر کردم فرصت مناسبی است تا ایده‌ام را کامل و آن را به یک نمایش تبدیل کنم.

او که در این جشنواره در بخش بازیگری و کارگردانی تقدیر شده است، ادامه می‌دهد: آثار جشنواره در تماشاخانه نوفل لوشاتو اجرا شدند و طبق پیشنهاد جشنواره قرار بود در همین تماشاخانه هم اجرای عمومی داشته باشیم ولی بدقولی سالن و شرایط نامناسبی که برای اجرا وجود داشت، سبب شد به فکر سالن دیگری بیفتیم. یک هفته سخت و نفس‌گیر را سپری کردیم تا اینکه موفق شدیم در تالار مولوی اجرا بگیریم که اتفاق بسیار خوبی است. او با ابراز خرسندی از استقبال تماشاگران از تئاتر در چند وقت اخیر اضافه می‌کند: بعد از اینکه شرایط کمی عادی شد، به طرز عجیبی، اجراهای نمایشی با اقبال تماشاگران رو به رو شدند. تا همین چند وقت پیش بسیاری از گروه‌ها برای اجرای آثار خود تردید داشتند و شرایط را ترسناک می‌دیدند ولی حالا خوشبختانه با استقبال تماشاگران رو به رو شده‌ایم و جالب است که همه این تماشاگران خودشان تئاتری نیستند بلکه مخاطبان حرفه‌ای تئاتر هستند.

نوروزی خاطرنشان می‌کند: البته شرایط برای کارهای مونولوگ سخت‌تر است چون این آثار از نظر جذب مخاطب، با دشواری بیشتری رو به رو می‌شوند اما خدا را شکر می‌کنم که تماشاگران از اجرای ما به گرمی استقبال کردند. زیرا وقتی با یک عنوان دانشجویی کار می‌کنی و هیچ چهره شناخته شده‌ای هم در کارت حضور ندارد، واقعا عجیب است که تماشاگران از کار استقبال کنند و من هر شب که به سالن می‌روم، خدا را از این بابت شکر می‌کنم. او درباره تفاوت تماشاگران تئاتر در سالن‌های دولتی و خصوصی می‌گوید: شاید بتوان گفت که مخاطب سالنی مانند مولوی، حرفه‌ای‌تر است. اتفاقی که این روزها برای ما افتاده، شبیه رویای دوره دبیرستان من است. از آن زمان با خودم فکر می‌کردم سینما را انتخاب نمی‌کنم و انتخابم تئاتر است که حاشیه امن و فضای آرام‌تری دارد تا اینکه در چند سال اخیر با ورود سلبریتی‌ها به تئاتر مواجه شدیم. مشکلی ندارم اگر یک سلبریتی مناسب بازی در یک نقش خاص باشد ولی مشکل زمانی است که این موضوع به تنها عامل تعیین‌کننده در تئاتر تبدیل بشود.

او می‌افزاید: از این جهات تالار مولوی، حاشیه امن‌تری دارد و حاضرم نمایشم را در این سالن با ۵ تماشاگر روی صحنه ببرم ولی اطمینان داشته باشم که آنها برای تماشای تئاتر آمده‌اند و به دنبال دیدن سلبریتی نیستند. نوروزی ابراز خوشنودی می‌کند: بنابراین برای گروه ما اتفاق خوشایندی بود که سالن‌مان عوض شد ضمن اینکه حضور در جشنواره افرا هم سبب شد مورد حمایت قرار بگیریم.خوشبختانه همیشه در جشنواره‌ها مورد اقبال قرار گرفته‌ام و از این نظر بسیار خوشحالم. برگزاری جشنواره‌ها از این جهت برای جوانانی مانند ما، انگیزه‌بخش است. نمایش «بخوابم با روایت شب پنجره‌ای» روایتی تو در تو و خواب‌گونه است.

در این نمایش با زنی جوان مواجه می‌شویم که با مساله‌ای رو به رو شده و برای روایت آن، گذشته خود را واکاوی می‌کند. این اثر نمایشی تا ۲۴ دی هر روز ساعت ۱۷ در تالار مولوی روی صحنه می‌رود و سمیرا زائری تک بازیگر آن است. سعید زارعی هم به عنوان مشاور کارگردان با اجرای این نمایش همکاری دارد.

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۰ * ۱۳:۰۲

گفتگوی هنرمند با عوامل نمایش «خاموشان»:

سهیلا جوادی: تئاتر مانند نان شب برای همه مردم مهم است

امین کردبچه چدنگی- عکس: مینا قانع

نمایش «خاموشان» آخرین اثر زنده‌یاد علی سلیمانی در مقام کارگردان است. این اثر پس از اجرای موفق خود در حوزهٔ هنری در سال ۱۳۹۸، بار دیگر با اندک تغییراتی در ساخت، این بار در تماشاخانهٔ سنگلج به روی صحنه رفته است و همه روزه میزبان علاقه‌مندان به هنر نمایش است. سهیلا جوادی، علیرضا ناصحی، حسین میرزائیان، مسعود انعامی، سبا سلیمانی، داود سلیمانی بازیگران این اثر نمایشی ۷۰ دقیقه ای هستند و همچنین صدا و تصویر زنده‌یاد علی سلیمانی نیز در این اثر، یادآور خاطرات شیرین نقش آفرینی‌های وی برای مخاطبان خواهد بود.

سهیلا جوادی، کارگردان و بازیگر نمایش «خاموشان» در گفتگو با هنرمند، ضمن ابراز خرسندی از این امر که بازخوردهای تماشاگران نسبت به این اثر مثبت بوده است، گفت: من پیش تر در این اثر به عنوان بازیگر، مجری طرح و تهیه‌کننده، با کارگردانی علی سلیمانی حضور داشتم و قطعاً بازی در این اثر، تأثیر خود را روی من گذاشته است.

وی با بیان این که در اجرای پیشین، روند کار به گونه‌ای بوده است که در کارگردانی دخالتی نداشته و به همین جهت بار مسئولیتی وی در این نمایش، کمتر از امروز بوده است، افزود: در دورهٔ پیش من با فراغ بال به بازی خویش می‌رسیدم، اما در این دوره از اجرا، علیرغم این که اشراف بیشتری بر روی بازی داشتم و می‌دانستم که از بازیگران چه می‌خواهم، راحت تر به نقش رسیدم، چون این موضوع دقیقاً آن چیزی بود که من دلم می‌خواست و این در حالی بود که قبلاً کارگردان مواردی را از من می‌خواست و من موظف بودم که خود را به نظر کارگردان نزدیک کنم، اما در اجرای کنونی، کارگردانی علی سلیمانی از پیش بود و برخی از موارد را بر ساسا نظر خویش اصلاح کردم.

کارگردان نمایش «خاموشان» با اشاره به این که در اثر کنونی، تنها بازیگر نیست و در حین بازی صحنه را مدیریت می‌کند و اگر یکی از بازیگران، دچار اشتباه شود تلاش می‌کند تا کار را ادامه بدهند تا نمایش از ریتم خویش نیفتد، ادامه داد: امروز علاوه بر بازیگری در این نمایش می‌بایست مه چیز را در صحنه مدیریت کنم و همین امر موجب شده است تا حضور در این اثر، در کنار دوستان برایم نسبت به اثر پیشین دشوارتر شود.

جوادی، ضمن ابراز تأسف از این امر که امروز با وجود تبلیغات بسیار زیاد در حوزهٔ تئاتر تماشاگران کمی شاهد اجرای نمایش‌های روی صحنه هستند، اضافه کرد: ما تمام تلاش خود را در حوزهٔ تبلیغات به کار گرفته‌ایم، اما شیوع سویهٔ جدید ویروس کرونا موجب شده است تا مردم با ترس و لرز به سالن‌های تئاتر بیایند و حتی مخاطبان تخصصی تئاتر نیز در این شرایط، کمتر به تماشاخانه‌ها می‌آیند و این موضوع به کار لطمات بسیاری می‌زند.

همسر زنده‌یاد «علی سلیمانی»، حضور ارگان‌ها و نهادهای دولتی و دعوت و ترغیب کارمندان مجموعه‌های مختلف به تئاتر را یکی از مهم‌ترین ابزارهای کارآمد در این حوزه برشمرده و با بیان این که امر می‌تواند علاوه بر این که یک گام فرهنگی باشد، کمک بزرگی نیز به تئاتر می‌کند، اظهار داشت: مردم عادی و حتی بازیگرانی که در فضای مجازی دنبال کنندگان زیادی دارند، در حال تبلیغات برای این نمایش هستند و این موضوع نیز در حالی است که خود ما نیز تمام توان خود را در فضای مجازی و حقیقی برای تبلیغات این نمایش به کار گرفته‌ایم، اما من امروز با پوست و گوشت و استخوانم این موضوع را حس می‌کنم که مردم، در این شرایط می‌ترسند که به سالن‌های تئاتر بیایند.

وی در پایان این گفتگو، با بیان این که مردم در شرایط کنونی حق دارند که سلامت خویش را به هر موضوع دیگری ترجیح بدهند، تصریح کرد: ما برای سلامتی مردم، با نصف ظرفیت سالن اجرا می‌رویم و اگر تعداد تماشاچی از حدی فراتر برود، تلاش می‌کنیم تا پروتکل‌های بهداشتی رعایت شود، تب‌سنجی و ضدعفونی سالن هر روز انجام می‌شود و تمامی اعضای گروه در برابر این بیماری واکسینه شده‌اند و مخاطب نیز در تمام طول مدت اجرا در سالن ماسک دارد.

جوادی، ضمن دعوت از تمامی مخاطبان به تماشای تئاتر، خاطر نشان کرد: یقین داریم که تئاتر هم مانند نان شب برای همهٔ مردم مهم است.

سبا سلیمانی: هنرمند شاخصه‌های زمان خود را در تاریخ ماندگار می‌کند

سبا سلیمانی، نویسنده و بازیگر نمایش «خاموشان» و فرزند شادروان «علی سلیمانی»، در گفتگو با خبرنگار تئاتر روزنامهٔ هنرمند، ضمن ابراز خرسندی از استقبال تماشاگران از این نمایش در شرایط شیوع بیماری کرونا، بر اساس نظر مخاطبان این نمایش را دارای بازی‌های کاملاً روان و واقعی دانسته و بر همین اساس، گفت: «خاموشان» دقیقاً مثل زندگی است و این نکته‌ای است که من از آن بسیار لذت می‌برم.

وی در ادامه، آمیختگی این نمایش با عواطف و احساساتی همچون غم، شادی و ترس و دیگر احساسات را از جمله شاخصه‌های مهم این اثر برشمرده و با بیان این که مخاطب این نمایش در کنار این که می‌تواند لحظاتی را لبخند بزند، از سوی دیگر با تفکر، به سمت و سوی غم نیز کشیده می‌شود، افزود: برخی از ویژگی‌های دیگر این نمایش نیز هستند که در برخی از صحنه ها، در کنار احساسات مختلفی که به مخاطب منتقل می‌کنند، حتی می‌توانند او را دچار شوک کنند.

نویسندهٔ نمایش «خاموشان»، با ابراز تأسف از این موضوع که اجرای نمایش در شرایط شیوع کرونا، به دلیل وخامت حال هنر تئاتر بسیار متفاوت است و حال خوبی ندارد، تئاتر را یکی از هنرهایی برشمرده که پیش از دوران کرونا نیز کمتر برای آن وقت گذاشته می‌شد و بر همین اساس، ادامه داد: امروز می‌بینیم که در شرایط شیوع این بیماری، اوضاع با گذشته تفاوت‌های بسیاری دارد و مهم‌ترین این تفاوت‌ها این است که مردم، به جهت نگرانی‌هایی که در حوزهٔ سلامت دارند، طبیعتاً کمتر به سالن‌های تئاتر می‌آیند، اما بای این حال این ماجرا نتوانست باعث شود که ما پا پس بکشیم و کم بیاوریم، چرا که معتقدیم یک اثر هنری که تنها بازماندهٔ یک هنرمند پس از اوست، می‌تواند تأثیر بسزایی بر مخاطبان و جامعهٔ پیرامونی او داشته باشد.

سلیمانی، با بیان این که در این شرایط باید به این فکر کرد که مخاطب هنر نمایش، با صرف ساعاتی برای دیدن نمایش می‌بایست حال خوبی داشته باشد و تماشای تئاتر باید این تأثیر را بر مخاطب بگذارد، اضافه کرد: علاوه بر انتقال حال خوب به مخاطب، باید این نکته را نیز در نظر داشت که تئاتر وظیفه دارد در پچهٔ تفکر را به روی مخاطب خویش باز کند.

وی در بخشی دیگر از این گفتگو، با تأکید بر این مفهوم که هنر و هنرمند را دو واژهٔ بسیار وسیع و سنگین برشمرده و بر همین اساس، هنر را آئینهٔ زندگی دانسته و اظهار داشت: هنر آئینهٔ زندگی است و از بدو تولد هنر در هر زمینه‌ای، گویی تمامی ابزارها به این سمت و سو رفته‌اند که تنها زندگی را در مقابل چشم مخاطب خویش رقم بزنند.

این بازیگر تئاتر، هنرمند را دارای مسئولیت‌های سخت و سنگین اجتماعی و روایت‌گر تاریخ دانسته و ضمن تأسف از این امر که در برخی از موارد، تاریخ تحریف می‌شود و شاید به سمت و سویی می‌رود که از حقیقت فاصله بگیرد، تصریح کرد: باید گفت که وظیفهٔ اصلی هنرمند این است که با ارائهٔ یک اثر هنری، به گونه‌ای رفتار کند که هر کسی، در هر جایی از تاریخ به اثر او مراجعه کند، شاخصه‌های زمان او را به درستی به دریافت کند و باید گفت که هنرمند شاخصه‌های زمان خود را دقیق و درست برای ثبت در تاریخ ماندگار می‌کند.